

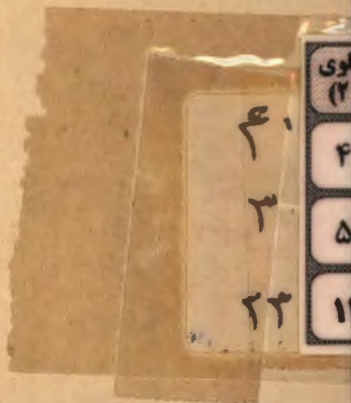
دهسال

# کمیته‌های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی

بایران

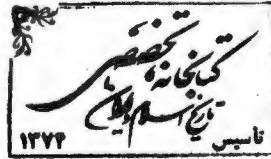
(۱۳۲۴-۵۴)

مهدی کیهان



قیمت ۶۰ ریال

نشر صلح



ده سال

# کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی

## به ایران

کتابخانه و اسناد ملی ایران  
 وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 تهران

۷۲۴۲	مجله
۳۰	کتاب
۳	روزنامه
۲۰۰	سایر

۱۳۵۴ - ۱۳۴۴

این کتاب مربوط به اینجانب بوده، که به کتابخانه دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم واگذار شده. زنی چون در آنجا مورد استفاده واقع نشده، به کتابخانه تاریخ اسلام و ایران اهداء گردید.

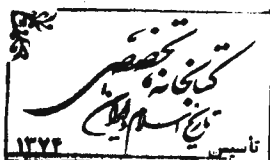
محمد رضا فاکر

هدی کیهان

## فهرست

صفحه

۳	پیشگفتار
۵	فصل نخست - کنکهای اقتصادی رفتی و نتایج آن در یک دهه
۵	۰۱ ارتجاع ایران و کنکهای ارزنده
۷	۰۲ قرارداد های صنعتی ۱۳۴۴
۹	۰۳ نتایج کنکها در پایان یک دهه
۱۴	فصل دوم - مجتمع ذوب آهن و " طلسم " صدساله
۱۴	۰۱ " مجتمع ذوب آهن اصفهان
۱۷	۰۲ " طلسم " صدساله " اهنالیستی
۲۰	فصل سوم - کنکها و حل مشکلات گرهی
۲۰	۰۱ کنکها و ازدیاد تولید و درآمد ملی
۲۴	۰۲ کادرهای متخصص و استقلال تکنولوژی
۲۶	۰۳ صنعتی شدن و بازرگانی خارجی
۳۱	فصل چهارم - اهمیت سرشتی کله ها
۳۱	۰۱ راه گشائی صنعتی
۳۲	۰۲ تکیه گاه ها و متضد اهنالیستی
۳۵	۰۳ تسریع در تحولات مطلوب اجتماعی
۳۷	فصل پنجم - رژیم ضد ملی کارشکنی میکند
۳۷	۰۱ هیئت حاکمه و کنکها در دهه گذشته
۴۰	۰۲ ضرورت توسعه " همکارها در حال و آینده
۴۳	فصل ششم - توان کشورهای سوسیالیستی
۴۳	۰۱ توان اقتصادی و صنعتی اتحاد شوروی
۴۴	۰۲ توان جامعه " کشورهای سوسیالیستی
۴۷	فصل هفتم - مواضع مخالفین و طرفداران
۴۷	۰۱ اهنالیسم و ناثوئیسم
۵۲	۰۲ مواضع اصولی حزب توده " ایران
۵۴	پایان سخن - سکوی جهش اقتصادی - اجتماعی



## پیشگفتار

اکنون از دوره ده سالگی انعقاد اولین موافقت نامه ایران و شوروی در زمینه همکاری اقتصادی و فنی به بهترین توان دیدگمهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران برای کشور را دارای چه اهمیت تاریخی بزرگی بوده است: ذوب آهن و ماشین سازی راه گشای صنعتی شدن و پایه گذار استقلال اقتصادی است. فزونی مستقل گاز ایجاد صنایع ملی و پایان تسلط کسرسیموم بر ذخایر گاز ایران را به همراه آورد. با انعقاد اولین موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی در ۲۳ دیماه ۱۳۴۴ هر دو این جریان مهم حیاتی در کشور ما آغاز شد.

احیاء استقلال سیاسی ایران از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و ایجاد اولین دولت کارگری - دهقانی در کشور همسایه شمالی ما نشأت یافت. اکنون میتوان گفت که در پایه گذاری استقلال اقتصادی ایران نیز نقش قاطع راکمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی به ایران ایفا میکند. کام گذاشتن ایران در جاده صنعتی شدن و امکاناتی که برای تحول اجتماعی مطلوب از آن ناشی میشود سر هون این کمکهاست.

## فصل نخست

# کمکهای اقتصادی و فنی و نتایج آن

## در يك دهه

### ۱۰ ارتجاع ایران و کمکهای ارزنده

برنامه های وسیع کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به کشورهای در حال رشد و بلافاصله پس از پایان جنگ دوم جهانی بمرجع اجرا گذاشته شد. آنچه اتحاد شوروی خود سرگرم ترمیم خرابیها و خسارات ناشی از تهاجم نازیسم هیتلری بود. ایران قبل از همه کشورهای متوانست از این کمکها که در همه جا پایه گذار استقلال اقتصادی است بهره بردار شود. هم مرز بودن د و کشور و مناسبات بازرگانی دیرین زمینه مساعدی بود برای بسط روابط بین د و همسایه و استفاده وسیع از کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی.

در واقع اتحاد شوروی خود با پیشنهاد های گوناگون منجمله پیشنهاد ایجاد صنایع ملی نفست در دوران جنگ و پس از آن ه آمادگی خوبی را برای کمکهای اقتصادی و فنی و وسیع و بدون قید و شرط به کشورهای اعلام داغته بود. ولی دولتهای ارتجاعی و ضد ملی ایران ه به اغوای دول امپریالیستی ه ابتدا از همکاری د و کشور در زمینه نفت جلوگیری کردند و سپس همین سیاست را در زمینه های دیگر به ممرض اجرا گذاشتند و حتی روابط د و کشور را به تیرگی کشاندند.

دولت اتحاد شوروی در دهه ۱۳۲۰ - ۱۳۴۰ مساهم فراوانی برای بهبود روابط د و کشور همسایه بعمل آورد. قراردادها و موافقت نامه های منعقد ه بین اتحاد شوروی و ایران در زمینه رفع اختلافات مرزی و مالی به سود ایران ه استفاده ه بیشتر از منابع آب و انرژی ر و د های مرزی ه موافقت نامه ترانزیت کالا و مسافر از خانه د و کشور ه موافقت نامه افزایش مبادلات بازرگانی و نظایر آن در این دوره اقداماتی بود که زمینه مساعدی را برای استفاده ایران از کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی فراهم می آورد. (۱) لیکن دولتهای پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه همچنان به تحریک دول امپریالیستی بجزه امپریالیسم مریکاد روابط د و کشور همسایه اخلاص میکردند و حتی به عادی شدن روابط و بهبود مناسبات بین ایران و اتحاد شوروی تن در نمیدادند. در آن دوره مقامات دولت کودتا به پیشنهاد های همسایه مطالبی در زمینه همکاریهای اقتصادی و فنی با ورود به پیمان نظامی بغداد (بمعد هاستنو) در سال ۱۳۳۴ و سپس انعقاد قرارداد د و چنانچه نظامی با امریکاد راستفند ۱۳۳۲ پاسخ گفتند و روابط د و کشور همسایه را به طرف تیرگی بیشتری کشاندند.

تیره ساختن مناسبات ایران و اتحاد شوروی در پایان دهه ۱۳۳۰ به سود دول امپریالیستی

بود. این دولت نه فقط مواضع اقتصادی و سیاسی خود را در ایران بسط دادند بلکه با محروم داشتن ایران از دریافت کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی، رشد اقتصادی و صنعتی کشور را متوقف نگاه داشتند.

در اوایل دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ با استفاده از کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ۱۸۰۰ طرح در کشورهای در حال رشد در دست اجرا بود. شصت طرح از این طرحها شامل ایجاد ذوب آهن و صنایع ذغال سنگه ۱۵۰ طرح شامل صنایع ماشین سازی و فلزشی کاری ۱۰۰ طرح شامل ایجاد صنایع پالایش نفت و شیمیائی و ۱۰۰ طرح شامل ایجاد موسسات آموزشی میگردید (۱). در این سالها طرحهای عظیمی مانند ذوب آهن "بهبیلی" در هندوستان و ساخت سد العالی "آسون" در مصر با کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در دست اقدام و انجام بود. با این وجوده ایران - کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی - از دریافت این کمکها بگناهی امپریالیسم و ارتجاع ایسرا نه محروم نگاه داشته شده بود.

مبارزه مداوم و روز افزون مردم ایران برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، بحران اقتصادی و برملا شدن سیاست اخلاص دولت امپریالیستی در کار صنعتی شدن ایران، بالاخره این واقعیت که تنها دولت سوسیالیستی و در رأس آنها دولت اتحاد شوروی حاضر به کمک واقعی به ایران بودند - عواملی است که به شکست بقا و امت ارتجاع و امپریالیسم انجامید و دولت ایران را در راه بهبود روابط ایران و اتحاد شوروی به عقب نشینی وادار ساخت. یاد داشت دولت ایران به دولت اتحاد شوروی در ۲۴ شهریور ۱۳۴۱ که به "یاد داشت اطمینان بخشی" معروف است حاصل چنین جریانی بود. در این یاد داشت دولت ایران رسماً اعلام داشت که "از ایجاد هر نوع پایگاههای موشکی خارجی در خاک خود جلوگیری مینماید". دولت ایران رسماً اظهار نمود که هرگز اجازه نخواهد داد ایران به وسیله تجاوز بر ضد اتحاد شوروی مبدل گردد (۲).

دولت همسایه شمالی حق داشت سیاست در روشی هشیم حاکمه ایران را که همچنان در ریسمانهای نظامی باقی مانده و در حفظ تعهدات استقلال شکنانه در برابر امپریالیسم امریکا و انگلیس کوشش می نمود توجه قرار دهد و بذل کمکهای اقتصادی و فنی خود را موقوف به لغو این تعهدات نماید. لیکن این طرز برخورد با روشی است که دولت سوسیالیستی که مایل بود راه بذل کمکهای صادقانه و بی شائبه را در مورد شوروی که در عقب ماندگی اقتصادی درجا میزد هموار سازد. مغایرت داشت دولت اتحاد شوروی طبق آن اصل از سیاست خارجی لنینی رفتار کرد که وظیفه دولت سوسیالیستی را چنین معین میکند:

"ماتام ساعی خود را بکار ببریم تا با مغولها، ایرانیها، هندیها و اعزب (عین کلکهای که لنین در اینجا بکار برده صریحاً است م. ک. ) نزدیک شده و درهم آمیزیم. . . . ماسعی خواهیم کرد به این ملل که پیش از خود ما عقب مانده و مظلوم هستند به گفته همسایه جالب سوسیالیستهای لهستان " کمک بی شائبه در زمینه پیشرفت تمدن " مبدول داریم یعنی به آنها کمک کنیم تا به استفاده از ماشین و تسهیل کاره به د مکرسی و سوسیالیسم دسترس پیدا کنند " (۳)

انحقاد اولین موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی در یک دهه قبل بر

См. "Политическая экономия", Москва, 1968г. стр.33 (۱)

"اطلاعات" ه ۲۵ شهریور ۱۳۴۲ (۲)

В.И. Ленин, пол.соч. 4, том 23, стр.55 (۳)

پایه چنبره جریانی تحقق یافت. اهمیت این موافقت نامه که در تاریخ مناسبات اقتصادی همکاری های فن ایران و اتحاد شوروی جای مهم دارد (۱) و تنها در آن نیست که به آرزوی مردم ایران در ایجاد اولین کارخانه ذوب آهن و ماشین سازی و بهره برداری ملی از گاز ایران تحقق بخشیده است و مهمتر آنست که با انجام طرحهای مزبور راه ایران به سوی صنعتی شدن گشوده میشود و مواضع کشور را در مبارزه علیه امپریالیسم نفوذت میگرداند و زمینه تسریع در تحولات اجتماعی به سود نیروهای ترقی و انقلابی فراهم می آید.

## ۰۲ قرارداد های صنعتی ۱۳۴۴

مبادله یادداشت های "اطمینان بخش" اولین قدم در عادی شدن روابط ایران و اتحاد شوروی در ابتدای دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ بود. سفر رسمی لئونید برزنف بنحون صد رهبریت رئیس هیئت شوروی عالی اتحاد شوروی در هفته آخر ایام ۱۳۴۲ به ایران و گام بعدی در بهبود مناسبات دو کشور همسایه بشرحی است. در جریان این سفر آمادگی اتحاد شوروی برای بذل کمکهای همه جانبه فنی و اقتصادی به ایران اعلام شد. در تعقیب آن کار تدارک و بذل کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران وارد مرحله عملی خوبی گردید. سیزدهم مهرماه ۱۳۴۳ متن موافقت نامه همکاریهای اقتصادی و فنی در تهران پاراف گردید و ۲۳ دیماه ۱۳۴۴ (۱۳ ژانویه ۱۹۶۵) قرارداد های صنعتی آن شامل خرید گاز ایران از جانب اتحاد شوروی و ساختن کارخانه ذوب آهن و ماشین سازی و قسمتی از لوله سرتاسری گاز با استفاده از کماله اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در ایران رسماً در مسکو به امضا رسید. طبق قرارداد های صنعتی منعقد در مسکو دولت اتحاد شوروی به خرید سالانه ده میلیارد متر مکعب گاز (گازی که تا آنوقت به وسیله شرکت های نفتی آتش زده میشد) از ایران مبادرت نمود و اعتباری به مبلغ ۲۶۰ میلیون روبل (معادل ۲۸۶ میلیون دلار) با بهره ۲٫۵ درصد در اختیار ایران قرارداد و تا آن برای تأمین یک کارخانه ذوب آهن و یک کارخانه ماشین سازی و تا همین قسمتی از لوازم مورد احتیاج انتقال گاز به اتحاد شوروی استفاده بعمل آید (۲).

در مورد تأمین گاز کارخانه ذوب آهن قرارداد داخلی نشان میساخت که ظرفیت آن سالانه بیست و پنج تا ۶۰۰ هزار تن فولاد خواهد بود که در مراحل بعدی تا ۱٫۲ میلیارد تن قابل افزایش میساخت. همچنین سازمانهای شوروی امور اکتشافی و تحقیقاتی و طراحی را به عهده گرفته متقبل شدند ماشین ها و تجهیزات مربوطه و سایر کمکهای فنی را در مواردی تحویل و انجام دهند که بکار انداختن کارخانه در سال ۱۳۵۰ میسر گردد.

در مورد فروش گاز موافقت شد دولت ایران برای بازپرداخت قسمتی از اعتبارات دریافت شده از دولت شوروی با احداث یک خط لوله سرتاسری برای مدت ۱۵ سال به شوروی گاز صادر نماید. موافقتنامه ضمن تعیین صد و سالانه گاز به میزان ۱۰ میلیارد متر مکعب و تعیین قیمت اولیه برای هر هزار متر مکعب ۶٫۶ دلار و مقرریه از ده سال قبل از انقضا مدت مقرر در صورتیکه طرفین بایکدیگر توافق نمایند موافقتنامه برای ۱۰ سال دیگر تمدید شود و بحالاه قیمت گاز در برابر نوسانات احتمالی در قیمت ها تغییر یابد.

(۱) مجله " دنیا " نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، سال ۱۳۴۴ شماره ۴ ص ۱۰

(۲) مراجعه شود به گزارش سالانه وزارتنامه بانک مرکزی ایران در پایان اسفند ۱۳۴۴ ص ۱۳۴۵ صفحات ۱۵۵-۱۵۷



تا سه کارخانه ماشین سازی طبق یکی دیگر از قرارداد های منعقد شده به عهد شوروی بود - برای این کارخانه که همبستگی به تولید ماشین آلات سنگین بپردازد ه ظرفیت سالانه ای برابر ۲۰ تا ۳۰ هزارتن در نظر گرفته شد. قرارداد ه برقرار شد است کارخانه در د مرحله ساخته شود : مسد ت ساختمان مرحله اول با ظرفیت تولیدی سالانه ۲۰ هزارتن ماشین آلات سه سال و مدت مرحله دوم با افزایش ۱۰ هزارتن به ظرفیت تولید ه یک سال تا یکسال و نیم در نظر گرفته شده بود . ذکر رتوس قرارداد های صنعتی کله اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران خود بیانگر اهمیت طرح هائی است که برای پار اول در کشور ما به اجرا در می آید . با اینحال کارهای جنسی مربوط به ایمن طرح هانیز اهمیت فوق العاده ای داشت .

اجرای طرح ذوب آهن در شرایط آنروز ایران تنها به ساختن کارخانه محدود نشد . قبل از همه اکتشاف معادن ذغال سنگ ه سنگ آهن ه دلویت و مصالح ساختمانی آماده ساختن آنها برای بهره برداری ضرورت داشت . اجرای طرح مستلزم آن بود که به موازات ساختن کارخانه فیهی از یکهزار کیلومتر راه آهن و هزارها کیلومتر راه های شوسه کشیده شود و طرح سد بزرگ شاه عباس کبیر تولید نیروی برق به میزان ۷۵ هزار کیلووات بمنوا ن کارهای زیر بنائی به اجرا در آید .

در قسمت احداث لوله گاز سرتاسری جنوب به شمال نیز غیر از کارهای مربوط به لوله کشی و تا سه مسامت بفرنج آن ه احداث کارخانه لوله سازی و ایجاد مراکز تجمع گاز و در واقع پایه گذاری و ایجاد صنایع ملی گاز ایران ضرورت پیدا میکرد . آموزش کادرهای تخصصی در کلیه سطوح از دیگر کارهای جنسی مربوط به احداث ذوب آهن و ماشین سازی بود . اجرای طرح هاهمچنین مستلزم خانه و شهر سازی در نقاطی بود که قبلا اثری از آبادانی در آنها دیده نشد .

از آنجا که همه این کارها بر زمین بکر و در قیاسی که اقتصاد ایران بخود ندیده بود به اجرا در می آید ه از لحاظ صحت مطالعات و پیهی بیی ها و تجهیز نیرو و وسائل بمنظور اجرای بیوقع طرحها ه مسئولیت مهمی متوجه کشور کله کشنده میشد . هر کشور پیشرفته صنعتی غرب ( بفرض عدول از مسو وضع مخالفت با صنعتی شدن ایران ) در برابر قبول چنین مسئولیتها ئی - چنانکه اکنون بطور چشمگیر در معاملات با کشورهای صنعتی غرب دیده میشود - شرایط مالی و اقتصادی سنگینی را به ایران تحمیل مینمود . لیکن اتحاد شوروی کله اقتصادی و فنی خود را با چنان تسهیلاتی از نظر ایران عرضه داشت که نه فقط مردم و نیروهای شرقی را به وجد آورد ه بلکه هیئت حاکمه را نیز با همه موضمکبری خصانسه ای خلع سلاح نمود و مسئولین امور را به تا میده اهمیت این کمکها از نظر نافع ایران و ادار ساخت .

همه اینها نخست وزیر هنگام تسلیم ماده واحد ه موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی به مجلس شورای ملی اهمیت شگرف قرارداد منعقد شده با شوروی را با صراحت یاد آورد و عینا چنین گفت :

« کلیه تا سه مسامت عظیم کارخانه ذوب آهن و کارخانه ماشین سازی واحداث لوله گاز بر اساس یک همکاری متقابل انجام میگردد که طبق آن دولت اتحاد جماهیر شوروی از یکطرف در تهیه طرحها و تحویل ماشین آلات و تجهیزات لازم و کله های فنی برای ایجاد تا سه مسامت و بکار انداختن کارخانه ها همکاری مینماید و از طرف دیگر دولت ایران گاز نفت و پاره ای کالاهای دیگر مورد نیاز دولت شوروی را به آن دولت تحویل خواهد داد . موضوعاتی که به استحضار رسانیدگان محترم رسید خلاصه ای بود از خصوصیات فنی طرحهای بزرگ مزبوره و برای بیان اهمیت اثرات ثمر بخش تا سه مسامت عظیم صنعتی که ایجاد خواهد شد ه در یک جمله میتوان گفت که ایجاد

صنایع مزبور یک جهش سریع صنعتی و اقتصادی واجتماعی است. (۱)

با آغا زککهای وسیع و بدون قید و شرط اتحاد شوروی به صنعتی شدن ایران در یک دهه قبله دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز با کلیه امکانات خود به کمک ایران آمدند. پس از انعقاد قرارداد های ذوب آهن و ماشین سازی و فروش گاز قرارداد های نظیری به منظور ایجاد کارخانه ماشین سازی در تبریز با استفاده از کمک فنی و اقتصادی جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی ایجاد کارخانه تراکتور سازی در همان شهر با جمهوری سوسیالیستی رومانی و ایجاد واحدهای صنایع سبک و غذایی با استفاده از کمک دیگر کشورهای سوسیالیستی خاور اریا منعقد گردید. این کشورها بنوعی خود با خرید نفت و کالاهای صنعتی ایران امکانات مساعدی برای تقویت مواضع شرکت ملی نفت و تولید داخلی فراهم آوردند. بدینسان گام گذاشتن ایران در جاده صنعتی شدن آغا زگردید.

### ۰۳ نتایج کمکها در پایان یک دهه

کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران در دهه گذشته با نتایج بسیار چشمگیر همراه بوده. قبل از دهه گذشته مهمترین طرحهای صنایع سنگین ذوب آهن و ماشین سازی و ایجاد لوله سرتاسری گاز ساخته شده و به بهره برداری داده شده است. دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز تمهیدات خود را بوجه انجام داده اند. در کشور ما که اجرای طرحهای وعده داده شده سالها بتأخیر می افتد و یا اصولاً به اجراء نمی آید و تحقق پروژه های ذوب آهن و ماشین سازی - چنانکه حتمی روزنامه ای مانند "اطلاعات" تأیید میکند - به "معجزه" شباهت دارد.

لیکن اتحاد شوروی نه فقط به تمهیدات خود در مورد طرحهای صنعتی ایران بوجه و کمال عمل نموده بلکه همزمان با اجرای این طرحها و پیدایش امکانات جدید به قبول تمهیدات و سهمگیری در امر توسعه ذوب آهن و ماشین سازی و دیگر طرحهای صنعتی و علمی و آموزشی و نظایر آنها اقدام کرد. همین رویه را دیگر کشورهای سوسیالیستی متحد اتحاد شوروی در پی می گرفتند.

کارخانه ذوب آهن اصفهان ابتدا اقرار بود با ظرفیت سالانه ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن و قابل توسعه تا حد ۱۲۰۰ هزار تن ساخته شود. لیکن این کارخانه در مرحله اول با ظرفیت نزدیک به ۲۰۰ هزار تن به بهره برداری داده شد. هم اکنون مرحله دوم توسعه آن با ظرفیت ۱٫۹ میلیون تن در حال ساختمان است که سال آینده (۱۳۵۵) پایان می پذیرد. در مراحل سوم و چهارم قرار است ظرفیت کارخانه به چهار و سپس به هشت میلیون تن افزایش یابد. کارهای مقدماتی مرحله سوم هم اکنون در جریان است (۷). چنانکه دیده میشود طرح اولین کارخانه ذوب آهن ایران با ظرفیتی ۱۶ برابر ظرفیت اولیه به اجراء می آید.

ماشین سازی های ارالک و تبریز و طرح عظیم صنعتی دیگری که شکی به کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی است در شهریور ۱۳۵۱ هر یک به فاصله یک هفته به بهره برداری داده شد. کارخانه ماشین سازی ارالک که هم اکنون مرحله دوم توسعه آن تا ۳۰ هزار تن تولید ماشین آلات سنگین در دست اجراء است، یک کارخانه ماشین سازی مادر است. تولید این کارخانه که شامل انواع دیگ های بخار، مخازن و منابع تحت فشار، نوارهای ناقل، باربرهای مختلف، بیدل های حرارتی و جرّاشقالهای زمینی و سقفی و ماشینهای مورد احتیاج در صنایع پتروشیمی و سیمان و

(۱) "اطلاعات" ۱۴ بهمن ۱۳۴۴

(۲) "اطلاعات" ۲۲ دیماه و هفتم اسفند ۱۳۵۳ و ۲۹ آبان ۱۳۵۴

قند و نظایر آن است. خود در حکم صالح کارخانه های جدید هستند. همینطور است وضع کارخانه ماشین سازی تهریزی که در آن سالیان ۱۰ هزار تن انواع ماشین - ابزاره ماشین تراش الکتریک و توره پرس و کپرسور و خلاصه ماشینهای ساخته میشود که ۸۰ کشور جهان فاقد قدرت تولید آن هستند. اجرای این طرح هائیز با وجود اهمیت که دارند به ظرفیت اولیه محدود نمائند. است. هم اتحاد شوروی و هم جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی موافقت خود را با افزایش ظرفیت تولید سالیان کارخانه های ماشین سازی اراک و تبریز به ۲۵ و ۳۰ هزار تن در سال اعلام داشته اند (۱).

کارخانه تراکتور سازی تبریز نیز که با ظرفیت اولیه پنج هزار تراکتور در سال با کماله فنی جمهوری سوسیالیستی رومانی ایجاد گردیده در سال آینده (۱۳۵۵) تولید خود را به مرز ۲۰ هزار تراکتور خواهد رساند (۲). اهمیت این کارخانه و کارخانه ماشین سازی اراک که در آن نیز قسمتی از احتیاجات کشور به تولید ماشین آلات کشاورزی برآورده میشود. برای کشاورزی ایران که فقدان نیروی مکانیکی و ماشینی یکی از علل مهم عقب ماندگی آن بشمار میرود. از نظرهای پوشیده نیست.

لوله سرتاسری گاز - یکی دیگر از طرحهای عظیم صنعتی متکی به کماله فنی و اقتصادی اتحاد شوروی در مورد بهره رسانی و به بهره برداری داده شد. مرحله اول طرح طی سه سال (آذر ۱۳۴۶ تا آبان ۱۳۴۹) به اجراء آمد و مرحله دوم و نهائی آن در سال ۱۳۵۲ به پایان رسید. ظرفیت سالیان عبور گاز از لوله سرتاسری ۱۵ میلیارد متر مکعب است که ۱۰ میلیارد آن به کشور همسایه صا در میشود و از ۵ میلیارد بقیه میتوان برای مصارف سوخت و صنعت در داخل استفاده نمود.

خرید گاز ایران از جانب اتحاد شوروی به تحقق طرح عظیم صنعتی انجا آمد که در جریان آن صنایع ملی گاز ایران پایه گذاری و ایجاد شد. گذشته از لوله سرتاسری به طول ۱۱۰۶ کیلومتر با قطر ۴۲ و ۴۰ اینچ از بید بلند تا آستارا و پالایشگاه عظیم جمع و تصفیه گاز "بید بلند" یا شبکه دریافت گاز خام از صنایع نفتی آغا جاری و مارون ایجاد گردید. از خود لوله سرتاسری انشعاباتی به طول ۸۶۶ کیلومتر به شهرهای شیراز، اصفهان، کاشان، قم، قزوین و رشت کشیده شد. ده ایستگاه فشار قوی بین راهی شبکه مدرن مخابراتی و کارخانه لوله سازی اهواز طرح های دیگری هستند که همزمان با ساختن لوله سرتاسری ایجاد شدند. بر اساس گاز دریافتی از لوله سرتاسری ایجاد شبکه گاز رسانی داخل شهری و تائین روستاهای مسیر با گاز میسرگشت که در دست اجراء است.

با اجرای طرح صنعتی صد ورگاز ایران به اتحاد شوروی در همین حال صنایع تولید و صد ورگاز مایع به خارج و بنابینه بخشی مهمی از صنایع ملی گاز ایران پایه گذاری و ایجاد شد. قبل از آن اصولاً چنین صنعت و صادراتی در صنایع نفت ایران وجود خارجی نداشت. اکنون تولید گاز مایع در پالایشگاه "بید بلند" و صد وران از بندر "ماهشهر" سالیان به بیهای از سی میلیون بشکه بالغ میگردد. نتیجه مهم دیگری که از ایجاد صنایع ملی گاز ایران بدست آمده صرفه جویی در مصرف مواد نفتی در داخل است. طبق محاسبه هنگامیکه امر گازرسانی به صد هزار مشترک داخلی در سال ۱۳۵۶ پایان پذیرد در مصرف سالیان نفت ۶ میلیون بشکه مایعات سبک و ۴۰ میلیون بشکه مایعات سنگین صرفه جویی خواهد شد (۳).

طرح صنعتی صد ورگاز ایران به اتحاد شوروی به همراه ایجاد صنایع ملی گاز و استفاده مالی و

(۱) "اطلاعات" ه ۱۳ اسفند ۱۳۵۳

(۲) "اطلاعات" ه ۱۵ اسفند ۱۳۵۳

(۳) См. "Нефть в Иране", издание Иранского нефтяного Института, 1971, стр. 122-127

بازرگانی از تقسیمی از گازهای که از چاههای نفت خارج میشود در عین حال نتایج بسیار مفیدی از نظر اجرای طرحهای صنعتی و حفظ محیط زیست به همراه دارد. با سوخت "آبی رنگ" ارزان که از نظر سوخت صنعتی و خانگی بدون رقیب است، ما قادریم شهرها و دهات خود را از سوخت نفت و بهیژه از سوخت گدازه که لطافت جبران ناپذیر ببار آورده، بی نیاز سازیم. فضای سبز در کشور ما بسیار محدود و و ناچیز است. به همین جهت جانسختن ساختن سوخت گاز بجای سوخت گیاهی اهمیت عظیمی برای ما دارد. گاز اکنون میتواند بطور وسیع در مصارف صنعتی و احداث نیروگاههای عظیم حرارتی برق در مرکز و شمال کشور و برای ایجاد صنایع پتروشیمی مورد استفاده قرار گیرد. ایجاد لوله سرتاسری گاز انجام همه این طرحها را همسر ساخته است.

استفاده از گاز در چنین قیاس در کشور ما هنوز مطرح نشده است. هنگامیکه چنین طرح هائی را به اجراء آوریم بیهوشی و بیشتر به اهمیت همکاری دو کشور همسایه در بهره برداری از ثروت گاز پس خواهیم برد.

در جریان اکتشاف مواد معدنی برای ذوب آهن ایران، صدها معدن جدید سنگ آهن و ذغال سنگ با ذخایر عظیمه نظیر معدن غنی سنگ آهن "چفارت" در بافق یزد و "گل گهر" در کرمان، ذغال سنگ "پابدانا" و "خم رود" در زرد کرمان، معدن فلزات رنگین و مواد نسوز و انواع مصالح ساختمانی کشف گردید. این اکتشافات که پشتوانه مهم و معتبری برای صنعتی شدن ایران بشمار می رود، افشاگران سیاست امپریالیستی است که دهها سال تحت عنوان دروغین "نبودن مواد معدنی ضروری" از ایجاد ذوب آهن و صنعتی شدن ایران جلوگیری میکرد. همکاریهای تخصصی اتحاد شوروی و ایران در کار شناسائی ثروت های معدنی ایران در حجم وسیعی ادامه دارد. از این کما که فقط در کار کشف معدن غنی جدید، بلکه در کار مهتر تربیت کارهای ایرانی نتایج ثمر بخشی بدست آمده و می آید.

از نتایج مهم اجرای طرحهای ذوب آهن و ماشین سازی در ایران توسعه شبکه راه آهن راههای شوسه ساختمان پل ها و مراکز تخلیه و بارگیری در نقاط مختلف کشور، بهیژه ارتباط استان های مرکزی و جنوب شرقی به شبکه راه آهن است. مرکز صنعتی و مسکونی مهمی نظیر اصفهان تا قبل از ایجاد ذوب آهن از ارتباط به شبکه راه آهن، که خط سرتاسری جنوب به شمال آن قبل از جنگ و خط سرتاسری غربی - شرقی آن پس از جنگ دوم جهانی هردو بنا به ملاحظات نظامی - سیاسی ساخته شده، به سرکنسار نگاه داشته شده بود. بیش از هزار کیلومتر راه آهنی که در دهه اخیر در ارتباط با ایجاد ذوب آهن ساخته شده؛ اولاً بیهوشی از ۲۵ درصد مجموع خطوط آهنی رانشکیکل میدهد که ظرف پنجاه سال از آغاز ساختمان راه آهن در ایران ساخته شده است، ثانیاً این اولین خط آهنی است که در کشور ما بنا به ملاحظات اقتصادی و رشد صنعتی بنا شده و طبیعتاً نتایج مفیدی به همراه دارد.

در ارتباط با ذوب آهن، شبکه راه آهن ایران از قم به کاشان و اصفهان و از آنجا به زرنده کشیده شده که هم اکنون در جهت شهر کرمان در دست ساختمان است. در ایجاد این شبکه از کمکهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی که در عین حال به نوسازی راه آهن جلفا - تبریز نیز کمک نموده و وسیعاً استفاده میشود.

"پولاد شهربان" در جوار کارخانه ذوب آهن با هشتاد هزار جمعیت کنونی و ۲۰۰ هزار رأینده و شهر کهای که در جوار دیگر مراکز صنعتی مربوط به ذوب آهن و ماشین سازی برزویه، بکر و برای اول بار در ایران ساخته شده اند از نتایج دیگر کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران در دهه اخیر بشمار می رود. در این بخش نیز کمکها به طرحهای اولیه محدود نمانده است. در سال

۱۳۵۱ اتحاد شوروی موافقت خود را با تجهیز ۱۱ کارخانه<sup>۱</sup> خانه سازی و قطعات پهن ساخته در ایران اعلام داشت که امر ساختمان و تهیه<sup>۲</sup> مسکن را بر مبنای صنعتی استوار میسازد.  
ایجاد ۱۳ مرکز آموزشی مرکب از انستیتوهای فنی و حرفه ای در تهران<sup>۳</sup> و اصفهان<sup>۴</sup> و کسریان<sup>۵</sup> ارائه مشهد<sup>۶</sup> تبریز برای تربیت متخصصین در کلیه رشته های صنعتی از ثمرات دیگر کمکهای اتحاد شوروی به ایران در دهه گذشته است. نتیجه ای که از آموزش کارگاههای تخصصی ایرانی در کلیه سطوح در دهه گذشته با استفاده از کمک کشورهای سوسیالیستی بدست آمده<sup>۷</sup> و ما با تفصیل بیشتری به آن خواهیم پرداخت. بهیچ وجه از نتیجه ایست که از مؤسسات علمی و فنی موجود کشور در تمام سالهای که از تأسیس آنها میگذرد<sup>۸</sup> تحصیل شده است.

اتحاد شوروی همزمان با اجرای طرحهای اصلی کمک اقتصادی و فنی در اجرای طرحهای مهم دیگری چون سد ارس و تأسیسات آب و برق آن<sup>۹</sup> ایجاد توسعه<sup>۱۰</sup> کارگاههای پرورش ماهی در شمال<sup>۱۱</sup> و ساختمان سیلو و زنگنه<sup>۱۲</sup> مختلف کشور<sup>۱۳</sup> ایجاد نیروگاههای بزرگ برق<sup>۱۴</sup> بهبود حمل و نقل راه آهن<sup>۱۵</sup> و نظایر آن کمکهای ارزنده و وسیعی به ایران بذل داشته است. با ایجاد طرح مشترک سد ارس<sup>۱۶</sup> ضمن جلوگیری از خسارات وارده از طغیانهای موسمی این رودخانه امکان آبیاری دهها هزار هکتار اراضی و دسترسی به قریب ۱۰۰ میلیون کیلووات برق ارزان در نوار مرزی شمال غربی کشور در اختیار ایران گذاشته شده است. ایجاد ۴۰ سیلو با ظرفیت پهنی از ۷۰۰ هزار تن کمک ارزنده ای بصرای نگاهداری صنعتی غله در ایران است. هم اکنون بزرگترین نیروگاه برق حرارتی ایران در "رامین" اهواز با کمک فنی اتحاد شوروی ساخته میشود که مجهز به وسائل برقی منحصر به فرد در نوع خود خواهد بود.  
در امر سد سازی و ساختمان سیلو<sup>۱۷</sup> ایجاد نیروگاههای عظیم برق و مراکز جدید آموزشی و نظایر این طرحها در ایران<sup>۱۸</sup> کمکهای اتحاد شوروی به آنچه در دهه گذشته انجام گرفته محدود نمیشود. در همه این زمینه ها برای انجام اقدامات وسیعتری اعلام آمادگی شده است. بر رویهم طی دهه ای که از آغاز کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران میگذرد<sup>۱۹</sup> همسایه شمالی ما اجرای ۱۲۰ طرح بزرگ و کوچک صنعتی و آموزشی را عمده<sup>۲۰</sup> دارنده که نهی از آنها به اجرا درآمده و نیم دیگر در دست اجراء است (۱).

طی دهه گذشته جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی<sup>۱</sup> گذشته از ایجاد کارخانه ماشین سازی تبریز و واحدهای جنبی آن نظیر آموزشگاه صنعتی<sup>۲</sup> با تجهیز ماشین آلات مختلف به تجهیز کارخانه های برق<sup>۳</sup> قند<sup>۴</sup> سیمان<sup>۵</sup> تولید لوازم فلزی<sup>۶</sup> صنایع شیشه و لباس و پوشاک<sup>۷</sup> کمک فنی ابراز داشته است. کارخانه سیمان اصفهان با کمک فنی چکسلواکی ساخته شده و کارخانه سیمان سه هزار تنی تهران نیز با کمک فنی این جمهوری در دست ساختمان است (۲).

جمهوری توده ای لهستان در دهه گذشته در ایجاد واحدهای بزرگ صنعتی در کشور ما شریک بوده است. هفت کارخانه<sup>۱</sup> قند که محصول آن به ۲۰ درصد تولید قند کشور بالغ میشود با کمک فنسی لهستان ساخته شده (۳). جمهوری توده ای بلغارستان در توسعه کارخانه های سیمان<sup>۲</sup> و توتون و سیگار<sup>۳</sup> صنعتی کردن تولید پنیر<sup>۴</sup> اکتشاف معادن و ایجاد مجتمع های گوشت و مرغداری<sup>۵</sup> به ایران کمک فنی بذل داشته است (۴). از اعتبارات جمهوری توده ای مجارستان در توسعه صنایع شیمیایی<sup>۱</sup>

(۱) "اطلاعات" ۲۹ شهریور ۱۳۵۴

(۲) "اطلاعات" ۲۶ شهریور ۱۳۵۴

(۳) "اطلاعات" ۲۵ شهریور ۱۳۵۴

(۴) "اطلاعات" ۷ آبان ۱۳۵۳

دانش و غذائی و مخابرات و سیستم کنترل اتوماتیک در صنایع گاز استفاده شده و میشود (۱). جمهوری سوسیالیستی رومانی گذشته از کارخانه تراکتورسازی به پیشرفت صنایع ماشین سازی و الکتریک و چوب ایران کمک فنی میزول میدارد (۲). ایران همچنین از جمهوری فدراتیو یوگسلاوی کمک فنی دریافت میکند.

جمهوری دمکراتیک آلمان نیز با آنکه زمامداران ایران درهای کشور را به روی آن بسته نگاه داشته و از شناسائی رسمی آن امتناع داشتند در دهه گذشته در پیشرفت صنعتی ایران سهم بوده است. فستق از وسائل و ماشین آلات کارخانه ذوب آهن اصفهان در جمهوری دمکراتیک آلمان تولید و به ایران ارسال شده است. صدور موتورهای دیزل و ماشینهای چاه زنی و ماشینهای نساجی و ماشینهای بسته بندی و دستگاهای مولد نیرو و انواع خرمن کوب ها به ایران نمونه هایی از شرکت جمهوری دمکراتیک آلمان در نوسازی صنعتی ایران است (۳).

طبیعی است اگر مقاومت سران رژیم در برابر شناسائی جمهوری دمکراتیک آلمان و اصولا در برابر استفاده وسیع و همه جانبه از کتکهای کشورهای سوسیالیستی وجود نداشت، هم خود کتکها و هم نتایج حاصله از آنها بمراتب وسیعتر بود. تنها جمهوری دمکراتیک آلمان که از نظر تولید صنعتی در زمره چند کشور بزرگ جهان قرار دارد، میتوانست در دهه گذشته کتکهای بسیار ارزنده ای به پیشرفت صنعتی ایران میزول دارد. هگهان میدانند که این جمهوری از نظر ساختن کارخانه های شیمیائی و پتروشیمی و کشتی سازی و اکتشاف نفت و گاز و دستگاهای توسعه انرژی و صنایع الکترونیک و صنایع ارتباطی و صنایع ماشین آلات کشاورزی و نظایر آن در جهان مقام شامخی دارد.

در دهه گذشته بر رهییم کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا تا سال ۱۳۵۱ در ایران ۴۲ واحد صنعتی ایجاد نموده و ۵۲ واحد در دست اجرا داشته اند. این کشورها مبلغی قریب نیم میلیارد دلار اعتبار صنعتی به ایران واگذا کرده بودند که دولت ایران تنها ۱۲۰ میلیون دلار آنرا مورد استفاده قرار داده بود (۴).

در مجموع و به اختصار نتایج یک دهه کتکهای اقتصادی و فنی جامعه کشورهای سوسیالیستی به ایران چنین است. هابسه این نتایج با نتایجی که در همین دوره از رشد عمومی اقتصاد کشور و امر صنعتی کردن آن بدست آمده بیانگر آنست که نقض قاطع را در تحول صنعتی ایران در دهه گذشته جامعه کشورهای سوسیالیستی ایفا کرده اند. در دهه گذشته حتی نمیتوان به ایجاد یک واحد صنعتی زیر بنائی نظیر آنچه اتحاد شوروی با ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی در ایران ساخته از جانب دول امپریالیستی در ایران اشاره نمود؛ گرچه این دول همچنان اهرمهای عمده اقتصادی و مالی ایسرا ن نظیر نفت و بازرگانی خارجی را در اختیار داشته و دارند.

کمک اقتصادی و فنی جامعه کشورهای سوسیالیستی در دهه گذشته برای پیشرفت صنعتی ایران اهمیت شگرفی داشته و زمینه عینی استقلال اقتصادی را برای کشور آماده نموده است. با این کمکها ایران در همین حال به دریافت پیشرفته ترین تکنولوژی در زمینه صنعت نائل آمده که مشخصات فنی و اقتصادی کارخانه ذوب آهن اصفهان نمونه آنست. این نحوه کمک فنی و اقتصادی به کشورهای در حال رشد تنها از عهد کشورهای سوسیالیستی ساخته است. از دول امپریالیستی اصولا چنین توقعی نمیتوان داشت.

(۱) "اطلاعات" ۲۳ بهمن ۱۳۴۷

(۲) "اطلاعات" ۸ آذر ۱۳۵۴

(۳) "اطلاعات" ۲۴ شهریور ۱۳۵۴

(۴) "Современный Иран", Справочник, Москва, 1975, стр. 368-369

## فصل دوم

# مجتمع ذوب آهن و « طلسم » صد ساله

### ۰۱ \* مجتمع ذوب آهن اصفهان \*

مجتمع ذوب آهن اصفهان به شهادت متخصصین فن و مسئولین امور و مطبوعات کشور از نظر مشخصات فنی و اقتصادی در ردیف کاملترین و مدرن ترین و باصرفه ترین مجتمع های ذوب آهن جهان قرار دارد. این مجتمع هم از نظر تکنولوژی معاصر و هم سیستم مدرن تولید چدن و فولاد در زمجره پیشرفته ترین واحدهای از این نوع است. از نظر بهره دهی اقتصادی و کارخانه ذوب آهن اصفهان از واحدهای کاملاً ممتاز بشمار میرود.

قبل از بحث پیرامون مشخصات فنی و اقتصادی کارخانه ذوب آهن اصفهان بجاست تذکر شود که این مجتمع عظیم صنعتی و در زمینه بکر و بدون سابقه ایران و در کتاه ترین مدت ممکن یعنی در فاصله چهار تا پنج سال ساخته شد. اولین کلنگ ساختمان کارخانه در ۲۳ اسفند ۱۳۴۶ به زمین زده شد. نوزدهم بهمن ۱۳۵۰ کارخانه با اتمام ساختمان کوره بلند و نیروگاه برق و تصفیه خانه فنیکی و شیمیائی و کله سازی و آگلومراسیون و کارگاههای کورتیر و نورد و تولید چدن خام را آغاز کرد. ۲۵ آذرماه ۱۳۵۱ با بنکار افتادن واحد عظیم فولاد سازی و کارخانه های تولید اکسیژن و کوره های تولید آهن مذاب مخصوص و سایر کارگاههای وابسته و تولید فولاد آغاز گردید. بدین ترتیب مجتمعی که شامل تمام مراحل تولید آهن و فولاد از استخراج ذغال سنگ و سنگ آهن گرفته تا ایجاد شمشها و ورقه های فولادی میگردد با ظرفیت اولیه نزدیک به ۷۰۰ هزار تن در مدت کمتر از پنج سال ساخته و به بهره برداری داده شد.

سرعت عمل اجرای طرح ذوب آهن ایران به وسیله اتحاد شوروی و متخصصین آن چنان بود که همگان را به اعجاب وادار میکرد. اطلاعات در این مورد چنین نوشته است:

" در طول تاریخ در کشور شوروی مشاهده شده است که دو واحد اقتصادی مانند سد شاه عباس کبیر و کارخانه ذوب آهن اصفهان با این سرعت در مدت کوتاهی آماده بهره برداری شود" (۱)

" پیشرفت کارهای ذوب آهن نه تنها چشمگیر است بلکه باید آنرا خیره کننده و اعجاب آور دانست" (۲)

در توصیف جهات فنی و تکنولوژی کارخانه ذوب آهن اصفهان از جانب متخصصین اظهارات زیادی بعمل آمده و در مطبوعات کشور در این باره مطلب فراوان نوشته شده است. ما فقط به دو نقل قول اکتفا میکنیم.

۱۹ بهمن ۱۳۵۰ مخبر اختصاصی " اطلاعات " ضمن اعلام شروع کار کوره بلند و تولید چدن در

(۱) " اطلاعات " ۱۹ خرداد ۱۳۴۸

(۲) " اطلاعات " ۲۷ خرداد ۱۳۴۷

کارخانه ذوب آهن در نرناز خود چنین یادآور شده است :

"ذوب آهن ایران از جدیدترین و مدرن ترین نوع دستگا‌های ذوب آهن موجود در دنیا با تجهیزات تکمیلی زمان ساخته شده است ۰۰۰ کوره بلند فعلی به ارتفاع ۶۹٫۴ متر قدرت ذوب تا یک میلیون و چهارصد هزار تن آهن را در سال دارد که تمام دستگا‌ها به تبعیت از این ظرفیت میباشند. از جالب ترین قسمت‌های کارخانه ذوب آهن ه " کپلکس کک سازی " و " دستگا‌ه نورد " را باستی نام برد . دستگا‌ه سازنده کک شیمیایی که کک آن از نوع بهترین کک دنیا میباشد علاوه بر نوع نیا ساز کارخانه برای ذوب سنگ آهن ه قدری کک و سایر فرآورده های طبی و غیره تهیه میکند که به بازارهای دنیا صادر میشود. دستگا‌ه نورد کارخانه نیز از مدرن ترین دستگا‌های تکمیلی نورد دنیا است ۰۰۰ و در نوع خود کم نظیر است" (۱)

۲۵ آورده ۱۳۵۱ بهنگام بکارافتادن واحد تولید فولاد در کارخانه ذوب آهن خبر اطلاعات باردیگر چنین داده است :

" سال گذشته واحد چدن سازی ۰۰۰ آغاز به کار کرده بود و تاکنون محصولات کارخانه ذوب آهن عبارت بود از انواع مختلف چدن ها مانند چدن ریخته گری چدن فولاد سازی ه انواع کک ه سولفات آمونیم ه نیتیل و یک سری محصولات شیمیایی دیگر . با بکارافتادن واحد عظیم فولاد سازی ه کارخانه های تولید اکسیژن و کوره های تولید آهن ه مخصوص و سایر کارگا‌های وابسته به بخش فولاد روز پنج شنبه مورد بهره برداری قرار گرفت . به این ترتیب فلز مذاب ( چدن ) از بخش کوره مستقیماً وارد بخش فولاد سازی میشود و در این قسمت ۰۰۰ تبدیل به پولاد میشود . تولید سالانه این کارخانه بهی از ششصد هزار تن در سال است و با سیستم " ال . دی " از نوع مدرن ترین سیستم تولید فولاد ه کار میکند . اکنون ذوب آهن قدری از تولیدات خود را برای تأمین مصرف داخلی به بازار عرضه میکند و سپس باگرم شدن کوره های نورد ه ساختن مصنوعات فولادی آغاز میشود" (۲)

با مشخصات تکنولوژی کارخانه ذوب آهن اصفهان به نقل از آنچه در روزنامه ای نوشته شده ه که بهیچوجه به جانبداری واقعی از توسعه روابط دو کشور همسایه مشهور نیست ه آشنا شدیم . اینکه بجاست با مشخصات اقتصادی و انتفاعی جتبع ذوب آهن از زبان مقامات مسئول آن آشنا شویم . دکتر امیرعلی شیبانی ه مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن ایران در مصاحبه مطبوعاتی خود ه سبب مناسب آغاز کار ذوب آهن در باره مشخصات اقتصادی و انتفاعی این کارخانه چنین میگوید :

" فولاد تولیدی کارخانه ذوب آهن ایران از نظر قیمت پائین تر از نرخهای موجود بازار داخلی و از نظر رفو بیت بالاتر از استانداردها دارد بسیاری از انواع آهن آلات وارداتی است . در ماههای اخیر قیمت فولاد در بازارهای بین المللی افزایش یافت . ولی هرگاه نمودار قیمت ها در جهت تنزل به حرکت درمی آید ه بازم فولاد

(۱) اطلاعات ه ۱۹ بهمن ۱۳۵۰

(۲) اطلاعات ه ۲۵ آذر ۱۳۵۱



ذوب آهن ایران با قیمت‌های متعادل به بازار عرضه میگردد \* (۱)

شیبانی در ادامه همان صاحبه چنین اظهار نظر میکند :

" باید تصریح کرد که شرکت ملی ذوب آهن به هیچوجه احتیاج به حمایت‌های گمرکی و سود بازرگانی نامعقول ندارد. زیرا بخوبی میتواند محصولات خود را در سطح قیمت‌های معقول بین‌المللی عرضه کند. به عبارت دیگر اگر قیمت‌ها پایین بیاید و سود بازرگانی واردات آهن آلات تعدیل شود، باز هم شرکت در زمینه‌های سلامت اقتصادی و فنی تولیدات خود را به بازار عرضه خواهد داشت \* (۲)

در صاحبه دیگری در همین اوقات شیبانی ضمن تأیید اینکه " مرغوبیت آهن آلات ذوب آهن ایران و بالاتر از استاندارد متوسط بین‌المللی است " در باره " مدرن بودن سیستم تولید و اینکه کارخانه ذوب آهن اصفهان با خارج کم و شرایط مساعد برای ایران ساخته شده نظریات خود را چنین بیان میدارد :

" در حال حاضر بسیاری از صنایع بزرگه فولاد سازی جهان طبقه تولید خود را به سیستم موجود متمدیل میکنند. در حالیکه طراحی ذوب آهن ایران شش سال قبل صورت گرفته است \* (۳) کارخانه ذوب آهن اصفهان " در نتیجه همکاری با اتحاد شوروی با خارج نسبتاً کم و با شرایط مساعدی برای ایران ساخته شده \* (۴)

با ادای توضیحات بیشتری را پیرامون جهات فنی و تکنولوژی، اقتصادی و انتفاعی کارخانه ذوب آهن اصفهان زائد میدانیم. گمان میکنم آنچه از زبان مقامات مسئول و مطبوعات کشور سؤال آوردیم برای بیان مطلب کافی است. چنین ارزیابی از مؤسسه ذوب آهن اصفهان نشان دهند که این واقعتاً است که با کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی نه فقط آرزوی ملی مردم ایران در ایجاب کارخانه ذوب آهن برآورده شده بلکه این آرزو به بهترین وجه از قوه به فعل درآمد.

آنچه در مورد مشخصات فنی و اقتصادی ذوب آهن اصفهان گفته شد در مورد دیگر طرح‌های صنعتی که به کمک کشورهای سوسیالیستی در کشور ما به اجرا درآمد نیز صادق است. طرح‌های ماشین سازی اراک و تبریز، تراکتور سازی همدان و نظایر آنها همه با برخورداری از تکنیک معاصر، حد اقل هزینه و در مدت کوتاه ساخته شده و به بهره برداری داده شده اند. اجرای دقیق و بموقع طرح‌ها در شرایطی که تشدید گرانی و تورم در بازار سرمایه داری تأثیر ناگوار بر اقتصاد ایران می‌بخشد و به هزینه‌های چند برابر برای اجرای طرح‌های صنعتی می‌انجامد. از مزایای مهم دیگری است که از قبل بذل کمک‌های فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی نصیب ایران میگردد.

در دوران تسلط امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده آن بر کشور ما نوعی نابرابری عموسی نسبت به عدم تحقق برنامه‌های مهم اقتصادی و صنعتی ایجاد شده بود که بوسعت از جانب ارتجاع و محافظ امپریالیستی برای ابقاء ایران در عقب ماندگی مورد بهره برداری قرار میگرفت. روزنامه " اطلاعات " در

(۱) " اطلاعات " ۲۰ و ۳ دیماه ۱۳۵۱

(۲) همانجا

(۳) " اطلاعات " ۳ دیماه ۱۳۵۱

(۴) " اطلاعات " ۲۱ دیماه ۱۳۵۱

اشاره به این ناباوری و یا مسه در سر مقاله ای که به سالروز آغاز ساختن ذوب آهن اصفهان اختصاص داده چنین خاطرنشان ساخته است :

" هنوز هم هستند کسانی که قادر نیستند موضوع ذوب آهن را بعنوان يك واقعه و امری تحقق یافته و تمام شده تلقی کنند . . . این طرز تلقی . . . و چنین طرز فکری . . . چندان هم بی منطق و بی مبنایست . برای اینکه مردمی در طول قریب به نیم قرن بارها دیده اند که مسئله تا میسر صنایع ذوب آهن . . . هزینه است که . . . میخواست به بجای برسد مشکلی سد راه آن شده و آنچه رشته بودیم به پنبه تبدیل کرده است . اگر شما بپروند ذوب آهن را در ایران ورق بزنید . . . تصدیق خواهید کرد مردم این مملکت حق داشته اند . . . تصور کنند . . . چنین آرزویی در این مملکت صورت وقوع پیدا نمیکنند . . . بهتر تقدیر . . . امروز مردم ایران شهادت شکسته شدن طلسم ذوب آهن . . . میباشند . عظمت کار چنان است که به اندک زمانی . . . دیر باوران را که هنوز هم در تحقق چنین برنامہ ای به نظر تردید بینگردد توجه حقیقت خواهد ساخت . " (۱)

آری ! دول امپریالیستی با کارشکنی در ایجاد ذوب آهن مردم ایران را در دسترس صنایع سنگین مادر دچار ناباوری و یا مس ساخته بودند . اتحاد شوروی با ساختن کارخانه عظیم ذوب آهن اصفهان به این ناباوری و یا مس نقطه پایان گذاشت و به مردم ایران نشان داد که در عصر موجودیت سوسیالیسم با کمک کشورهای سوسیالیستی میتوان به پیشرفته ترین دستاوردهای علم و صنعت نائل آمد .

## ۲. طلسم " صد ساله " امپریالیستی

طرح کارخانه عظیم ذوب آهن اصفهان با کمک فنی و اقتصادی اتحاد شوروی تنها در مدت ۴ تا ۵ سال به اجرا درآمد . دول امپریالیستی برای ایجاد واحد نظیری با اهمیت بمراتب کمتر چندین نسل ایرانی را معطل نگاه داشتند و بالاخره هم بجای ذوب آهن برای ایران " طلسم " ذوب آهن ایجاد کردند .

صنعت ذوب آهن در ایران چنانکه اسناد و مدارک تاریخی نشان میدهد میتواند در نیمه اول قرن ۱۹ پایه گذاری شود . عباس میرزا نایب السلطنه در مدت حکمرانی در آذربایجان به همراه ایجاد کارخانه های اسلحه سازی و توپ ریزی در تبریز با اعزام هیئت هایی به روسیه و استناداتی به انگلستان و فرانسه در سالهای قبل و بعد از ۱۲۰۰ شمسی ( ۱۸۲۰ میلادی ) برای ایجاد ذوب آهن کوشش بعمل آورد ( ۲ ) . بعد از سال ۱۲۶۳ ( ۱۸۸۴ ) طرح بزرگی برای ایجاد کارخانه ذوب آهن در تاجیک ماژندران توسط حاج محمد حسن امین دارالضرب به مرحله اجرا درآمد و راه آهنی برای حمل محصول آن کشیده شد . لیکن این طرح به اتمام نرسید و مورد استفاده قرار نگرفت . ( ۳ )

(۱) "اطلاعات" ، ۲۴ اسفند ۱۳۴۷

(۲) "گنج شایگان" جمال زاده ، ۱۹۱۷ ( ۱۳۳۵ قمری ) برلین ، صفحه ۹۶

(۳) " تاریخچه " سی ساله بانک ملی ایران ، تهران ، ۱۳۲۷ ، صفحه ۶

مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۰۵ ضمن تصویب قانون اجازه ساختن راه آهن، ضرورت ایجاد فوری ذوب آهن را تاکید و ضایع مالی آنرا نیز پیش بینی نمود. ده سال بعد با دعوت از "دماک" - کروپ<sup>۱</sup> برای ساختن ذوب آهن در ایران اقدام شد و حتی قراردادی در این زمینه نیز منعقد و اقدامات اولیه آغاز شد که باز هم نتیجه ای از آن بدست نیامد. تا جنگ دوم جهانی ایران همچنان از ایجاد ذوب آهن محروم نگاه داشته شد. در سالهای پس از جنگ دوم جهانی اجرای طرح ذوب آهن مجدد تحت تاثیر فشار افکار عمومی در برنامه های عمرانی قرار گرفت. لیکن در این سالها نیز انحصارات دول امریالیستی آلمان فدرال، آمریکا و انگلستان کاری برای ایران انجام ندادند.

حتی پس از ورود به دهه هفتم قرن بیستم میلادی و هنگامیکه یک قرن و نیم از اولیستین مجاهدات ایران برای ایجاد ذوب آهن میگذشت و با وجودیکه مجلس آلمان رضایت میداد کارخانه ذوب آهن صد هزاری تنی ایران با دریافت قرضه ۱۵۰ میلیون دلاری به بارج سالیا<sup>۲</sup> به درصد واکنداری ۲۰ درصد سهام به انحصارات خارجی تا سیس شود نیز از ایجاد کارخانه ذوب آهن در ایران خبری نبود (۱) روزنامه "اطلاعات" در سال ۱۳۴۱ در این باره چنین مینوشت:

"مطالعات ذوب آهن چهار نسل طول کشیده و معلوم نیست چند نسل دیگر طول خواهد کشید" (۷) الف.

دول امریالیستی و انحصارات آن در هر نوبت که مسئله ذوب آهن ایران مطرح میشد، پس از دریافت مبالغ گزاف و تلف کردن وقت به بهانه های مختلف از اجرای طرح طفره میرفتند. گاه اعلام میداشتند گنجا ایران برای ایجاد ذوب آهن فاقد ضایع طبیعی است. زمانی نبودن کادر متخصص را بهانه

(۱) ازین لایحه ذوب آهن تقدیمی به مجلس در سال ۱۳۳۸. مراجعه شود به روزنامه "کهبان" ۱۵ آذرماه ۱۳۳۸

(۷) روزنامه "اطلاعات" ۱۸ مرداد ۱۳۴۱

الف - تنها یادآوری تیتیر برخی از سر مقاله هاشی که در تیر و مرداد ۱۳۴۱ در روزنامه "اطلاعات" پیرامون ذوب آهن نوشته شده کافی است تا نشان دهنده قبل از آنکه اتحاد شوروی به کمه ایران بشتابد، ایجاد ذوب آهن ایران درگیر بود آنچه دسیسه هاشی بوده است! : "از سال ۱۳۲۸ که بعد از جنگ و برای بار دوم اقداماتی در جهت ایجاد کارخانه ذوب آهن شروع شده تاکنون ۱۵ سال میگذرد. در این مدت در حد و حد پانصد میلیون تومان خرج مطالعه و رفت و آمد مهندسين و متخصصين و هیئت های خارجی شده و قریب ۲۵ میلیون دلار خرج هیئت های که برای کشف معادن ذغال سنگ و سنگ آهن مطالعه کرده اند پرداخت شده." ("اطلاعات" ۲۱ تیر ۱۳۴۱). پس از سالها مطالعه و صرف میلیونها تومان معلوم شد مطالعات دماک کروپ فاقد ارزش بوده. مهندسين سوئدی با مورطانه طرح ذوب آهن شدند. ("اطلاعات" ۴۵ مرداد ۱۳۴۱). ساختن کارخانه ذوب آهن ایران بین کمانهای آلمانی و انگلیسی تقسیم شد. (۲ مرداد ۱۳۴۱). شرط پرداخت وام برای ساختن کارخانه ذوب آهن واگذاری امور مهندسين مشاور ذوب آهن به یک مؤسسه آلمانی است. (۱۰ مرداد ۱۳۴۱). بعد از یک ربع قرن مطالعه و مذاکره و صرف میلیون ها پول ملکت، هنوز در نقطه اول هستیم. هنوز بطور قطع و مسلم معلوم نیست که کارخانه ذوب آهن ایران چه شخصاتی باید داشته باشند و آیا معادن ایران برای این کار مناسب است یا نه. (۱۱ مرداد ۱۳۴۱).

می‌آوردند. گاهی محدود بودن بازار داخلی و مقرون به صرفه نبودن ذوب آهن را عنوان میکردند. بالاخره افرادی نظیر اهرارد صدراعظم آلمان غربی خودداری از شتاب در کار صنعتی شدن را بسمه مردم ایران توصیه مینمودند. پاره ای میگفتند ایران کشور کشاورزی است و فاقد امکان صنعتی شدن. لیکن مشاوران امیکائی نظیر تورنبرگ پارافراتر گذشته رسماً اعلام میداشتند ایجاد ذوب آهن در ایران کاری است ضرر و بدون فایده (۱).

همه اینها بیبانه بود. دول امپریالیستی و انحصارات آنان به بازار ایران و غارت ثروت نفت چشم داشتند. آنها نمیخواستند این بازار که رفته رفته به واردات بیشتر آهن آلات احتیاج پیدا میکرد از دست آنها خارج شود. ایجاد ذوب آهن میتواند در سرنوشت صنعت نفت تاثير مستقیم داشته باشد و این بسود شرکت غاصب سابق نفت، کسرسوموم و کارتل بین المللی نفت نبود. دول امپریالیستی میدانستند ذوب آهن شقیه استقلال اقتصادی و پیشرفت اجتماعی است و ایجاد آن در کشوری که از جهت تسلط سیاسی و نظامی مطمح نظر آنان بود، مصلحت نیست.

اگر جهان ما با پیروزیهای درخشان کشورهای سوسیالیستی در علم و صنعت درگون نشده بود و انحصار صنعت همچنان در دست دول امپریالیستی باقی مانده بود مسلماً "طلسم ذوب آهن" در کشور ما نیز همچنان به قوت خود باقی میماند. اما همه چیز از پیدایش کشورهای سوسیالیستی در جهان عوض شد. این کشورها تنها خود در پیشرفتهای صنعتی گامهای سریع به جلو بر میدارند، بلکه با کمکهای بی شائبه اقتصادی و فنی خود، کشورهای در حال رشد را نیز در این پیشرفت شریک و سهمیم میسازند. "طلسم ذوب آهن" ایران نیز که دیو امپریالیسم آنرا ایجاد کرده بود، با کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی شکسته شد.

مردم ایران سالها قبل میتوانستند به آرزوی خود در ایجاد ذوب آهن تحقق بخشند. لازمیه این کاره همانطور که حزب توده ایران از اوان تشکیل خود خاطر نشان ساخته و میسازد، تکیه بسمه کمکهای اقتصادی و فنی به شائبه کشورهای سوسیالیستی بود. مسئولیت بنام خیر افتادن ایجاد ذوب آهن ایران طی عمر چندین نسل، بویژه در سالهای پس از جنگ دوم جهانی با دنیار و مرتجعین داخلی است. اینها بودند که به تحریک دول امپریالیستی و بدنیال اغراض طبقاتی خودشان با اخلال در ضاسبات ایران و همسایه شمالی فرصت استفاده از کمکهای اتحاد شوروی را از مردم ایران سلب نمودند و آنچه را میتوانست سالها قبل تحقق یابد دهها سال به تاخیر انداختند. تاریخ ایران چنین مسئولیتی را به هیئت حاکمه مرتجع و آلت دست نمیبخشد.

در مخالفت عنودانه دول امپریالیستی با ایجاد ذوب آهن در ایران و مقابلا کمک بی شائبه و صادقانه اتحاد شوروی به ایجاد این صنعت برخوردار دوسیمت جهانی - امپریالیسم و سوسیالیسم - به مسائل رشد اقتصادی و صنعتی ایران و نه فقط ایران، بلکه همه کشورهای در حال رشد منعکس است. ذوب آهن ایران تنها نمونه از برخوردار دوسیمت به حل مشکلات کشورهای در حال رشد است. این نمونه نشان میدهد که صنعتی شدن کشورهای در حال رشد، کلید اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این کشورها، تنها و تنها با عضم گذاردن سیاست اخلال امپریالیستی، استفاده از کمک اتحاد شوروی و دیگر اعضا جامعه کشورهای سوسیالیستی میتواند جا به عمل بپوشد. برخوردار دول امپریالیستی با مشکلات کشورهای در حال رشد موضع نواستعطاری یعنی ابقا این کشورها در عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی به منظور ادامه غارت ثروتهای طبیعی و تشدید استثمار ملل آنهاست.

# کمکها و حل مشکلات گرهی

## ۱- کمکها و از یاماد تولید و درآمد ملی

در بحث از وضع اقتصادی ایران در دهه اخیر به ویژه در آنچه مربوط به از یاماد تولید و درآمد ملی است، قبل از همه باید آنرا جدا از نفت مورد بررسی قرار داد. زیرا مداران ایران با محاسبه درآمد نفت بمنظور بخشی از تولید و درآمد ملی تصمیمند رستی از وضع اقتصاد ایران عرضه میکنند. استناد آنان به "معجزه اقتصادی" ایران که گویا "معجزه اقتصادی" ژاپن در جهان سرمایه داری را بی رنگ ساخته، بر پایه چنین تحریفی استوار است.

رشد و توسعه صنایع نفت ایران در گذشته جدا از اقتصاد ملی صورت گرفته است. این وضع اکنون نیز ادامه دارد و تا روزی که صنعت نفت به معنی واقعی کلمه ملی نشده، ادامه خواهد یافت. اقتصاد نفت تنها هنگامی میتواند بخشی ارگانیک اقتصاد ملی ایران بشمار آید که اولاً از تسلط انحصاراً بر امور مالیستی خارج شود و ثانیاً امر بهره برداری از ذخایر نفت خام به تبع از حواش رشد اقتصاد ملی تعیین گردد و نه بنابه خواست بازار مالیستی و یا مقاصد نظامی و تسلیحاتی و دیگر سیاست های رژیم ضد ملی.

در شرایط تسلط کتسرسیوم بین المللی نفت و رژیم وابسته به امپریالیسم بهره برداری از نفت در اقتصاد ملی ایران در جهت کاهش سریع در زمان آور ذخایر نفت خام، افزایش هزینه های نظامی و غیرمولد، تقویت عوامل توری و افلاس آور و رشد نابرابر و سرطانی بخشهای اقتصادی اثر میگذارد و به رشد غیرمعمول و ناموزون بخشهای مختلف اقتصاد ملی منتهی میگردد. بهره برداری از نفت در این شرایط ارقام تولید و درآمد ملی را بطور مجازی و ساختگی بالا میبرد و نه واقعی. هم اکنون در دفاتر دولتی و بودجه ارقام تولید و درآمد به حساب "دلارهای نفتی" تادها میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است. بظاهر نیز مردم ایران از درآمد سرانه ای بیش از هزار دلار و نزدیک به سطح درآمد کشورهای پیشرفته صنعتی برخوردارند، لیکن واقعیت بکلی چیز دیگری است.

واقعیت این است که اولاً درآمد نفت به بهای از دست رفتن بقادیر بسیار عظیم از ذخایر نفت خام ایران تحصیل شده و میشود. در گذشته تا همین سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) درآمد ایران از هر بشکه نفت صادراتی همیشه کمتر از یک دلار و حداکثر ۸۴ سنت بوده. بیش از ۱۲ میلیارد بشکه از ذخایر نفت ایران در چنین شرایطی در هفتاد سال گذشته تلف شده است (۱). در شرایط کنونی با آنکه بهره برداری صنعتی از هر بشکه نفت ارزش اقتصادی نزدیک به ۱۵۰۰ دلار ایجاد میکند، معذک درآمد ایران از نفت منحصر به دریافت ۷ تا ۱۰ دلار قیمت هر بشکه نفت خام است (۲). هم اکنون سالیانها در میلیارد بشکه از ذخایر نفت خام ایران در چنین وضعی از دست میرود.

(۱) "Нефть в Иране", Иранский нефтяной институт, 1971, стр. 38 и 77.

(۲) مراجعه شود به مجله "دنیا" شماره ۹ اسفند ۱۳۵۲، صفحات ۱۲-۱۳.

نفت ثروتی است که احیاناً آن مسر نیست. با استخراج و صدور و فروش نفت خام کسب درآمد میتوان کرد. لیکن تولید ثروت مولد مسر نیست مگر آنکه درآمد نفت به سرمایه گذاری در تولید اختصاص یابد. استخراج و فروش نفت خام به خارج در شرایطی که درآمد آن صرف هزینه های نظامی - تسلیحاتی و غیرمولد میشود مستقیماً به کاهش ثروت ملی منجر می شود. نفت گذشته از ارزش ذاتی خود بعنوان ماده خام نهایی از نظر تازه نیروی پیشرفت اقتصادی کشور دارند. ذخایر آن اهمیت عظیمی را داراست. با استفاده از صنعتی از نفت و اقدام به صدور فرآورده های نفتی و پتروشیمی بجای نفت خام به خارج میتوان تولید و درآمد ملی را به مقدار عظیم و جهشی افزایش داد. صدور مقدار بزرگ نفت خام به خارج موجب میشود ثروت بالقوه ای که میتواند منشأ ترقیات شکوفه صنعتی و درآمد های سرشار بویژه در دهه های آینده باشد بسرعت کاهش یابد و عمده ذخایر آن در کوتاه مدت ( برای کشورها تا واسطه دهه های آینده خوب توجه کنید واسطه دهه آینده ) از دست برود.

صحت حال و آینده کشور را هیچکس نمیتواند از ذخایر نفت خام با رعایت صرفه جویی کامل استفاده کرده شود. ذخایر این ثروت ملی باید برای زمانی نگاهداری شود که ایران خود بتواند استفاده از صنعتی همه جانبه ای را از نفت که دستاورد های انقلاب علمی و فنی رفته رفته ارزش بیشتری به آن می بخشد. سرمایه و سامان دهد. رژیم دست نشانده امپریالیسم چنین وظیفه ای برای خود نیشناسد. این رژیم وظیفه خود را به یاد دادن ثروت ملی - ذخایر نفت خام - معین نموده و تمهیدات دولتی و انحصارات امپریالیستی را در طاعت هر چه سریعتر آن برآورده میسازد.

آنچه به اختصار گفته شد مربوط به ذخایر نفت خام و تمهیدات موقع آن از نظر اقتصاد عمومی و ثروت ملی کشور بود. اکنون بپهنای تاثیر درآمد نفت بر تولید و درآمد ملی بپردازیم و چگونگی چیست؟

در گذشته همه درآمد نفت ایران در ازای هزینه های تسلیحاتی و نظامی و پلیسی و دیگر هزینه های زائد رژیم مسلط به هدر داده شده است. همگان از این واقعیت مطلعند و احتیاج به تکرار دانسته هائینست. اکنون نه فقط وضع به ضلالت دیرینه بلکه بمراتب بدتر از آن است. از پیش از بیست میلیارد دلار درآمد سالیان، نفت اگرچه همه آن به حداقل پیش از نصف تا سه چهارم صرف هزینه های تسلیحاتی و نظامی و پلیسی میشود. بقیه عمده ای از درآمد نفت ایران حتی قبل از آنکه تحویل دولت ایران شود به عملاً در اختیار دول امپریالیستی بویژه دولتین آمریکا و انگلیس - سردمداران کارتل بین المللی نفت - قرار میگیرد. در بهترین حالت دولت ایران فقط نقی حسابدار غیر خبره دلارهای نفتی را باقی میگذارد.

بخش قابل ملاحظه ای از درآمد عظیم نفت بوسیله دولت سرمایه داران بزرگ وابسته و دلالت خارجی به خرید کالاها و مصرفی زائد و بنجل از دول غیر اختصاص داده میشود که واردات آن تولید داخلی را به رکود و ورشکستگی تهدید میکند و مانع از رشد واقعی تولید و درآمد ملی است. بخش مهمی از درآمد نفت به معنی دقیق کلمه حیث و مهمل میشود و به حسابهای بانکی شاه در باریان و دلالت بین المللی و داخلی از قضاوتی مختلف به بانکهای خارجی و داخلی ریخته میشود. از مجموعه درآمد نفت تنها بخش ناچیزی وارد در گردش اقتصاد ملی میشود که ممکن است به از یاد تولید و درآمد ملی کمک نماید. آن نیز بدان علت که به ایجاد صنایع زیربنایی اختصاص داده نشده و نمیشود تاثیر چندانی در رشد اقتصاد ملی نداشته و اثر آن در تقایم با آثار زیان بخش غارت و استعمار امپریالیستی ذخایر و صنایع نفت ایران بر مجموعه اقتصاد ملی فاقد ارزش و اهمیت است.

آنچه گفته شد قبل از هر چیز و قدم بر همه ضرورت هر دو تسلط کسرسیوم بین المللی نفت و لفسو فوری قرارداد خانمانه فروش نفت به کسرسیوم و هر نوع امتیاز انحصارات نفتی و دیگر گفته شود ملی کردن واقعی صنعت نفت ایران را خاطر نشان میسازد. این وظیفه ای است که در رصد مبارزه ضد امپریالیستی

مردم ایران قرارداد و باید تحقق یابد. زیرا تا زمانی که ذخایر و صنعت نفت ایران واقعا ملی نشده به کسب نتایج مثبتا زبهره برداری از نفت ایران به که هم اکنون چه از نظر حجم تولید و چه از نظر میسر آن درآمد بر همه بخشهای دیگر تفوق فوق العاده دارد، برای ازدیاد واقعی تولید و درآمد ملی نمیتوان نائل شد.

وقتی تا بهر عواملی را که به آنها اشاره شد در اقتصاد ملی ایران در نظر بگیریم، به این نتیجه می رسیم که اولاً رقم تولید و درآمد ملی آن دهها میلیارد دلاری نیست که هیئت حاکمه با افزودن "دلارهای نفت" به اقتصاد ملی و آنرا بعنوان نتایج تولید داخلی و درآمد ملی ارائه میدهند. ثانیا سطح درآمد سرانه نیز آن سطح درآمد عاشرین ساله به کشورهای پیشرفته صنعتی نیست. هم رقم تولید و هم درآمد ملی سرانه عملاً در آن سطحی است که اقتصاد خود بود. ایران مولد آنست و اقتصاد دانان کشور ما نیز بدستی از آن بنام "بخش غیر نفتی اقتصاد" نام میبرند. هر دو این سطح در شرایط حاضر در ایران همان سطح متوسط تولید و درآمد ملی در کشورهای در حال رشد است. تنها با این تفاوت که در نتیجه ایجاد صنایع سنگین ذوب آهن و ماشین سازی در دهه گذشته تغییرات مثبت قابل ملاحظه ای در آن مشاهده میشود. توضیح خود زمامداران و دستگاههای تبلیغاتی آنان اینست که تغییرات اخیر برکت "انقلاب سفید" و یا طبق ناهی که اخیراً اختراع کرده اند برکت "انقلاب شاه و مردم" است. این افسانه نیز از پایه بدون اساس و واهی است. نه "انقلاب سفید" و نه "انقلاب شاه و مردم" هیچیک برکتی نداشته اند. از این "انقلابات" معجزه ای که به ظهور رسیده بازگذاشتن دست دول امپریالیستی و انحصارات نفتی و بورژوازی بورکرات و وابسته در غارت ذخایر و درآمد نفت و دیگر ثروتها و درآمد مردم ایران از یکطرف و نگاه داشتن کشاورزی مملکت در عقب ماندگی و رکود و تودیه دهقانان زحمتکش در فقر و نابسامانی از جانب دیگر است.

بررسی علمی از وضع اقتصادی کشور حاکیست که بهبود نسبی که در دهه اخیر در زاد و تولید و درآمد ملی حاصل شده بطور عمده از اجرای طرحهای صنعتی شدن نظیر ذوب آهن و ماشین سازی بدست آمده. یعنی طرحهایی که به کمک اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیست به اجراء آمده اند. در این مورد میتوان دلایل فراوان عرضه داشت. با ارقام جدولهای تولید ناخالص و درآمد ملی را که از جانب خود سازمانهای دولتی تنظیم و انتشار یافته پایه و اساس بررسی قرار میدهم.

جدولهای تولید ناخالص و درآمد ملی بر حسب فعالیتهای اقتصادی به قیمت ثابت در سالهای مختلف نشان میدهد که تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۴۴ در بخش کشاورزی ۹۹ میلیارد ریال و در بخش صنایع و معادن (بدون نفت) ۸۱٫۶ میلیارد ریال بوده است (۱). همین جدولها حاکی است که در حالی که تولید ناخالص کشاورزی در سال ۱۳۵۱ به مبلغ ۱۳۴٫۴ میلیارد ریال یعنی فقط ۳۴ درصد افزایش یافته، تولید ناخالص در بخش صنایع و معادن در همین مدت به ۱۹۵٫۹ میلیارد ریال رسیده و یاد حقیقت نزدیک به دو برابر و نیم اضافه شده است. در سال پایه یعنی ۱۳۴۴ رقم تولید ناخالص در بخش صنایع و معادن ۱۷ میلیارد ریال از تولید ناخالص در بخش کشاورزی کمتر بوده است. در سال ۱۳۵۱ تولید ناخالص در بخش صنایع و معادن مبلغ ۶۱٫۵ میلیارد ریال بر بخش کشاورزی پیشی گرفته است.

تغییرات اخیر بطور عمده از اجرای طرحهای ذوب آهن و ماشین سازی و نظایر آن حاصل شده است. این طرحها بوده اند که نقش اساسی و عمده را در افزایش تولید ناخالص و بالابال افزایش درآمد ملی در سالهای مورد بحث ایفا نموده و گذشته از ازدیاد تولید ناخالص و درآمد در بخش صنعت،

(۱) مراجعه شود به "سالنامه آماری ۱۳۵۱ کشور" تاریخ انتشار اسفند ۱۳۵۲، صفحه ۲۸۰

تناسب بین دو بخش عمده فعالیت (کشاورزی و صنعت) را به سود صنعت که از علائم صنعتی شدن است تغییر داده اند.

تحول را که کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در رشد اقتصاد ایران ایجاد کرده به شکل نمایان تری در تغییر ترکیب سرمایه‌گذارانها در بخشهای مختلف اقتصاد ملی میتوان مشاهده نمود. جدول تنظیمی در باره ترکیب سرمایه‌گذاری در ماشین آلات و لوازم کسب و کار برحسب گروههای اقتصادی حاکی است که جمع رقم سرمایه‌گذارانهای ثابت و جاری در سال ۱۳۴۳ در کشاورزی ۶٫۲ میلیارد ریال، در صنایع و معادن ۱۲٫۳ میلیارد ریال و در حمل و نقل ۴٫۱ میلیارد ریال بوده است. در سال ۱۳۵۰ همین ارقام به ترتیب در بخش کشاورزی ۷٫۵ میلیارد ریال، در بخش صنایع و معادن ۲۱٫۳ میلیارد ریال و در حمل و نقل به ۵٫۹ میلیارد ریال افزایش یافته اند (۱).

بطوریکه می‌بینیم در حالیکه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نه فقط افزایش نیافته بلکه کاهش نیز داشته است (یکی از علل بحران کشاورزی را در همین جای یاد یافت) در بخش صنایع و معادن و حمل و نقل سرمایه‌گذارانها به ترتیب از ۱۲٫۳ میلیارد ریال به ۲۱٫۳ میلیارد ریال و از ۴٫۱ میلیارد ریال به ۵٫۹ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده. در این جایگزینی قابل دقت افزایش چشمگیر تر سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و معادن نسبت به حمل و نقل است. در حالیکه در سال مبداء سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و معادن سه میلیارد ریال کمتر از سرمایه‌گذاری در حمل و نقل بوده. در سال ۱۳۵۰ مبلغ ۱۵ میلیارد ریال بر آن سبقت گرفته است. این نیز به معنی اولویت یافتن بخش صنایع و معادن در مجموعه اقتصاد ملی است.

چنانکه از ارقام یاد شده استنباط میشود نقش قاطع ایجاد صنایع سنگین در دهه گذشته در افزایش تولید ناخالصی و درآمد ملی امری است غیر قابل انکار. با اینحال برای اینکه بحث فوق در سطح تجربی باقی نماند و فهم آن ساده تر شود، بجاست چند رقم عمده از صنوفاتی را که قبل از دهه اخیر در اقتصاد ایران وجود نداشته و سپس بر اثر اجرای طرحهای صنعتی تنگی به کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی تولید آنها در داخل مسرگردیده یا ادآوری نمانیم. بطور عمده همین تولیدات است که به از یاد قابل ملاحظه تولید ناخالصی و درآمد در بخش صنعت و معدن انجامیده و در آینده تاثیر آن بر مجموعه اقتصاد ملی بیش و بیشتر خواهد شد.

در سال ۱۳۴۴ استخراج ذغال سنگ در سطح ۳۰ سال قبل از آن یعنی کمتر از صد هزار تن در سال بود. سنگ آهن عملاً استخراج نمیشد. چیزی بنام تولید چدن و فولاد در اقتصاد ایران وجود خارجی نداشت. در سال ۱۳۵۱ استخراج ذغال سنگ به یک میلیون تن و استخراج سنگ آهن به ۹۸۰ هزار تن بالغ بوده است (۲). در همان سال در آمار تولیدات کشور تولید بیش از نهم میلیون تن چدن مشاهده میشود. ارقام استخراج ذغال سنگ و سنگ آهن هم اکنون (سال ۱۳۵۴) از مرز سالیانه دو میلیون تن فراتر رفته و تولید چدن و فولاد به هفتصد هزار تن بالغ است که در سال آینده (۱۳۵۵) با بهره برداری از مرحله دوم ذوب آهن اصفهان به ۱٫۹ میلیون تن در سال افزایش می‌یابد. وقتی به این ارقام تولید سالیانه سی هزار تن ماشین آلات مختلف در کارخانه ماشین سازی اراکه ۱۰ هزار تن ماشینهای دقیق صنعتی در کارخانه ماشین سازی تبریز، تولید تراکتور و نظایر آنها را اضافه کنیم، به وضوح بیشتری به تاثیر ایجاد اولین واحدهای ذوب آهن و ماشین سازی در تحول مطلوب اقتصادی در کشور خود پی می‌بریم.

(۱) مراجعه شود به "سالنامه آماری ۱۳۵۱ کشور"، اسفند ۱۳۵۲، صفحه ۲۸۴.

(۲) همانجا، صفحه ۳۹۴.



لیکن تاثیر ایجاد واحدهای صنایع سنگین مادر دراز مدت تولید و درآمد ملی تنها بسبب تولیداتی که مستقیماً از خود این واحدها بدست می‌آید محدود نمی‌شود. تحت تاثیر ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین سازی همه رشته های صنعتی کشور، منجمله رشته تولید کالاهای مصرفی نیز که مدت‌ها در رکود درجا میزد بحرکت درآمد دهها رشته جدید تولید به برکت ایجاد صنایع سنگین ایجاد شده حمل و نقل کشور با ایجاد راههای آهن جدید و راههای شوسه جان تازه ای گرفت، رشته صنایع ساختمان از رکود خارج شده بازرگانی خدمات متناسب با فعالیت‌های صنعتی بعد تازه ای پیدا کرد. وقتی همه این جوانب را در نظر بگیریم مشاهده می‌کنیم آنچه دراز مدت تولید و درآمد ملی در دهه اخیر تحقق یافته برکتی است که از قبل کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی در ایجاد صنایع زیر بنایی نصیب کشور ما شده و نه " معجزه ای " که " انقلاب سفید " ببار آورده باشد.

## ۲۰۲. کادری متخصص و استقلال تکنولوژی

فقدان کادری متخصص ملی و سطح نازل اطلاعات علمی و فنی در کشور مانع تسلط امپریالیسم و فرهنگ استعماری است. همین عقب ماندگی خود بعنوان یکی از موانع مهم ملی سالیان دراز بسیاری جلوگیری از صنعتی شدن ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت. دولت امپریالیستی و رژیمهای ارتجاعی خود از تربیت کادری متخصص ملی جلوگیری می‌کردند. سپس آنها خود ادعا داشتند که کشوری که فاقد چنین کادری است نمیتواند صنعتی شود و اصولاً حق اداره صنعت را ندارد. نخست وزیر وقت سرلشکر رزم آرا به استناد همین ادعا به اشاره مستقیم امپریالیسم انگلیس و شرکت غاصب سابق نفت به مامی کردن صنایع نفت ایران مخالفت نمود.

دولت امپریالیستی نه تنها حاضر نشدند با کمک به صنعتی شدن ایران به تربیت کادری متخصص ملی کمک کنند بلکه در جریان ایجاد صنایع نفت به منظور غارت ثروت کشور ما از تربیت کادری متخصص ملی جلوگیری کردند. خیانت شرکت غاصب سابق انگلیسی نفت و کسرسیوم بین المللی در این مورد برای همگان روشن است و محتاج تکرار نیست. از ایجاد صنایع نفت ایران پیش از هفتاد سال میگذرد. ایران در همین کشور صادر کنند نفت در جهان است. با اینحال همین امروز نیز امور علمی و فنی صنعت نفت ایران در انحصار غارتگران خارجی نفت است. اکتشاف و مور حفاری چاههای نفت تا کار مراکز صدور و متخصصین خارجی در اختیار دارند. و حال آنکه ایران بعنوان یک کشور قدیمی تولید کنند نفت میتواند حتی انجام خدمات علمی و فنی صنعت نفت را به دهها کشوری که بتازگی به این صنعت روی می‌آورند بعهده گیرد.

در پروژه های صنعتی دیگری که هم اکنون در رشته های صنایع پتروشیمی و شیمیائی و لاستیک و نظایر آنها با واگذاری امتیاز و یا خرید تکنولوژی از دول غربی در ایران به اجرا در می‌آید و وضع کادری متخصص ملی نیز مانند صنعت نفت است. انحصارات امپریالیستی تا بحال در ایران بیش از ده سد بزرگ ساخته اند. با اینحال هم اکنون هر وقت صحبت از ایجاد سد جدیدی میشود ایران خود را محتاج متخصصین خارجی می‌بیند. حتی در صنایع غذایی و نساجی نیز " رهن ما " در گرو تکنولوژی و مهارت متخصصین غریبی است. نمونه این وضع وابستگی این صنایع به ابزار و آلات یدکی خارجی و متخصصین بیگانه است که هم اکنون در رشته های مختلف صنایع ایران کار می‌کنند.

کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در حال رشد در زمینه تربیت کادری متخصص ملی نیز با سیاست دول امپریالیستی تفاوت بسیار دارد. کشورهای سوسیالیستی نه فقط به بهانه فقدان کادری متخصص ملی از صنعتی کردن کشورهای در حال رشد امتناع نمیکنند

بلکه در همان جریان اجرای طرحهای صنعتی به تربیت کادرهای ملی میپردازند. کشورهایی سوسیالیستی کوشش میکنند تا کشورهای در حال رشد به معنی واقعی کلمه به استقلال در زمینه کادرهای تخصصی ملی و تکنولوژی نائل آیند؛ امری که بدون آن در شرایط انقلاب علمی و فنی در جهان استقلال واقعی معنی ندارد.

دشوار است بگوئیم که اگر دول امپریالیستی برای ایران ذوب آهن میساختند، چه وابستگیهای نوع جدیدی که در همه زمینه ها ضحله در زمینه کادر و تکنولوژی برای ایران فراهم نمی آوردند. لیکن این نیز واقعیت است که اتحاد شوروی نه فقط صنایع ذوب آهن ایران را در کشورها ایجاد نمود، بلکه در جریان آن به تربیت کادرهای تخصصی ملی اقدام کرد. کارشناسان شوروی نه فقط در تمام مراحل ایجاد این صنعت دوشی بدوئی کادرهای ملی ایرانی کار کردند، بلکه تجربه و تخصص خود را در اختیار آنها گذاشتند. به برکت کیکهای علمی و آموزشی اتحاد شوروی در جریان ایجاد ذوب آهن اصفهان کادر تخصصی ملی اداره کنند. این صنعت بوجود آمده و در حال رشد است. نتیجه ای که در این زمینه از کیکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران گرفته شده خود بیش از ایجاد ذوب آهن اهمیت دارد.

دکتر شبانی مدیرعامل شرکت ملی ذوب آهن ایران بهنگام آغاز بهره برداری از مرحله اول ذوب آهن اصفهان در باره کادرهای ملی در این صنعت چنین گفت:

"کارخانه ذوب آهن اصفهان هم اکنون حدود ۵۰ هزار نفر تخصصی مهندسی و کارگر و کارمند در اختیار دارد و بزرگترین جذب کننده نیروی انسانی در ایران میباشد. با افزایش ظرفیت ۱۰۰۰ تمداد مهندسی و تکنیسین و کارگر و کارمند آن به ۶۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت. کارخانه ذوب آهن اصفهان تنها با ایجاد آموزشگاههای حرفه ای سالانه هزاران نفر تکنیسین تربیت میکند. بطور متوسط هر ساله ۸ هزار نفر تکنیسین در همین انجام کار در آموزشگاههای حرفه ای در و ر آموزش ملی میکنند." (۱)

در همین زمینه اطلاعات مینویسد: تنها در مراکز چهارگانه آموزش اصفهان و کرمان و اراک که با کمک اتحاد شوروی ایجاد شده تا بحال ۸ هزار نفر کارگر در رشته مختلف تخصص کرده اند (۲).

آنچه در زمینه نتایج حاصله از کیکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در امر تربیت کادرهای تخصصی ذوب آهن از قول مدیرعامل شرکت ملی ذوب آهن ایران گفته شده در مورد دیگر واحدهای صنعتی که به کمک این کشور و دیگر کشورهای سوسیالیستی ساخته شده و میشود، صادق است. به همراه ماشین سازی اراک و تبریز و تراکتورسازی و مدارس و حوضچه های تکمیر ماهی و صدها طرح دیگر هزاران نفر تخصص ایرانی در سطوح مختلف تربیت شده اند. ب علاوه در امر تربیت کادرهای تخصصی ملی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی امکانات فوق العاده وسیعی را که برای همه کشورهای در حال رشد و چه برای کشورها ایران فراهم آورده اند. اگر سیاست محدود نگاه داشتن کیکهای علمی و آموزشی کشورهای سوسیالیستی از جانب هیئت حاکمه اعمال نمیشد و درهای کشورهای سوسیالیستی به روی جوانان ایرانی مشتاق تحصیل و تعلیم غلبه نگاه داشته نمیشد.

(۱) "اطلاعات" ۱۹ فروردین ۱۳۵۱

(۲) "اطلاعات" ۲۷ شهریور ۱۳۵۲

سلطان‌تاج بسیارمشتري از ککهای کشورهای سوسیالیستی در زمینه ایجاد کادریهای متخصص ملی در همه زمینه های علمی و فنی نصیب کشور ما میشد.

از وجوه تطایز مؤسسات صنعتی که با استفاده از خرید تکنولوژی از کشورهای غربی در ایران ایجاد شده و میشود گذشته از سپردن اداره آنها بدست متخصصین خارجی و یکی هم حفظ وابستگی این مؤسسات از لحاظ تکنولوژی و وسائل یدکی به کشورهای مبدأ است. این نوع وابستگی به قیمت بسیار گران برای صنایع ایران تمام شده و میشود. دول امپریالیستی از وابستگی تکنولوژی و نه تنها برای غارت اضافی از راه گران فروختن وسائل یدکی و بلکه همچنین اعمال فشار به صنایع ملی استفاده میکنند. موارد این سر استفاده در کشور ما نادر نیست و در تجربه روزانه میتوان آنرا در هر گوشه و کنار دید.

در زمینه اخیر نیز کمکه اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی از سیاست غارتگرانه دول امپریالیستی کاملاً متطایز است. واحدهای صنعتی عظیمی که به کمکه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در ایران ایجاد شده و میشود صنایعی قائم بالذات هستند. این صنایع ضمن آنکه به وسیله کادریهای متخصص ملی اداره میشوند و خود نیز از امکان تأمین وسائل یدکی با استفاده از تجهیزات داخلی برخوردارند. در این مورد آنچه در باره ذوب آهن ایران از جانب خود مسئولین امور گفته شده کاملاً گویاست. در گزارشی افتتاح کارخانه ذوب آهن از جمله گفته میشود:

" نخستین کارخانه ذوب آهن ایران از جمله جامع ترین و کامل ترین کارخانه ذوب آهن جهان است و تمام جهات در این کارخانه پدید بینی شده. در یکی از واحدهای آن فقط لوازم یدکی ساخته میشود که ۸۰ درصد نیاز کارخانه را تماماً پدید میآید و بقیه برخی قطعات کم مصرف است که در طول زمان نیاز به تغییر پیدا میکند." (۱)

تا همین استقلال واقعی صنعتی کشورهای در حال رشد از اصول خدشه ناپذیر کمپنهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی است. در تجربه کشور ما ایران نیز این واقعیت کاملاً به ثبوت رسیده. با درک ماهیت روابط کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد و تکیه به تجارب حاصله از آنست که نبردهای مرفق کشور ما و در راه آنها حزب توده ایران ککهای اقتصادی و فنی این کشورها را سود مند می شمارند و بحق معتقدند که بهره گیری هر چه بیشتر از این ککها وثیقه تا همین استقلال اقتصادی به معنی واقعی کلمه است.

### ۳- صنعتی شدن و بازرگانی خارجی

محافل امپریالیستی و عوامل ایرانی آنها مدعی هستند که عدم سلامت و مشکلات بازرگانی خارجی ایران (چیزی که هم اکنون اقتصاد کشور را به ورشکستگی و افلاس کامل تهدید میکند) از عواقب صنعتی شدن است. به زعم این محافل و کشوری که در راه صنعتی شدن گام میگذارد ناگزیر از واردات کالاهای صنعتی و سرمایه ای است و این امر لامحاله توازن بازرگانی خارجی را بهم میزند.

قبل از همه باید خاطر نشان ساخت که در حال حاضر دیگر صحبت عدم توازن در بازرگانی خارجی ایران در میان نیست. امروز ما به معنی تام و تمام کلمه باهرج و مرج در بازرگانی خارجی ایران مواجه

(۱) "اطلاعات" ۲۱ اسفند ۱۳۵۱

هستم. در سال گذشته ۱۳۵۳ واردات کشور از مبلغ ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ یکبار به مبلغ ۱۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. در سال جاری ۱۳۵۴ به این مبلغ باز هم افزوده شده و احتمال آنست که حجم واردات به ۱۶ میلیارد دلار برسد. متقابلاً ارزش صادرات سنتی صنعتی ایران (بدون مواد نفتی) در سال گذشته ۱۳۵۳ در سطح سال قبل از آن یعنی کمتر از یک میلیارد دلار بوده است. در سال جاری رقم صادرات کشور از این مبلغ نیز کمتر خواهد بود.

پس چنانکه دیده میشود، صحبت عدم توازن در میان نیست. صحبت از هر چه و مرج در بازرگانی خارجی ایران در میان است که به منظور غارت درآمد نفت ایجاد شده و طبیعتاً است عواقب بسیار وخیمی برای اقتصاد و مالیه کشور ما بیار خواهد آورد. با اینحال حتی اگر مشکلات بازرگانی خارجی ایران در چهار چوب عدم توازن نیز باقی میماند، باز هم ادعای محافل امپریالیستی و دست نشاندهگان آن در مرتبط ساختن این مشکلات با صنعتی شدن کشور قابل توجیه نبود. تجربه کشورهای سوسیالیستی که به اتکاء اتحاد شوروی صنعتی شده اند، خلاف این ادعای باطل را ثابت میکند. تجربه کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در حال رشد و منجمد به کشورهای ایران نیز کسبه بهترین طرحهای صنعتی شدن آن به وسیله آنها انجام شده و میشود. بطلان ادعای محافل امپریالیستی را ثابت میکند.

بررسی بازرگانی خارجی ایران در دهه گذشته نشان میدهد که عدم سلامت و مشکلات بازرگانی خارجی ایران ناشی از ماهیت روابط نابرابر و غارتگرانه اقتصادی دولت امپریالیستی با کشورهای در حال رشد است و این مشکلات نتیجه گام گذاشتن ایران در جاده صنعتی شدن نیست. با اینکه در دهه گذشته از جانب هیچیک از دولت امپریالیستی حتی یک طرح به اهمیت ذوب آهن، ماشین سازی و ایجاد لوله گاز سرتاسری در ایران بمرض اجرا در نیامده، معذله در همین مدت واردات آن کشورها به ایران به میزان سرسام آوری افزایش پیدا کرده است.

آمار بازرگانی خارجی ایران حاکی است که طی سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۲ واردات ایران از ایالات متحده آمریکا، انگلستان، بازار مشترک و ژاپن از مبلغ ۵۰ میلیارد ریال به ۲۰۳ میلیارد ریال یعنی ۱۵۳ میلیارد ریال افزایش یافته است. در همین مدت صادرات ایران به این کشورها فقط قریب ۱۶ میلیارد ریال افزوده شده و به ۲۲ میلیارد ریال رسیده است. عدم موازنه در بازرگانی خارجی ایران با کشورهای نامبرده در سال ۱۳۴۴ مبلغ ۴۳ میلیارد ریال بود. در سال ۱۳۵۲ این رقم به مبلغ سرگیجه آور ۱۸۲ میلیارد ریال به زیان ایران افزایش یافته است (۱). در دو ساله اخیر این وضع به زیان ایران، دچار تغییرات بیارتب عظیمتری گردیده است.

ارقام عده واردات دولت امپریالیستی به ایران را کالاهای مصرفی و لوکس تشکیل میدهد. این دولت نه فقط در بازرگانی خود برای کالاهای صنعتی ساخت ایران هیچ امتیازی قائل نشده اند، بلکه در برابر صدور کالاهای سنتی ایران به کشورهای خود نیز مشکلات عدیده و گوناگون بوجود آورده و می آورند. تعرفه های نابرابر کمکی بازار مشترک نمونه ای از آنهاست. افزایش بی رویه واردات کالاهای مصرفی و بنجل از کشورهای غربی، کاهش نسبی و حتی مطلق صادرات ایران به آن کشورها و مبادله نابرابر غارتگرانه، جهات عمده و مشخص کننده بازرگانی خارجی ایران با دولت امپریالیستی را تشکیل میدهد.

در بازرگانی خارجی ایران با کشورهای سوسیالیستی ما درست عکس این جریان را مشاهده میکنیم. در حالیکه کشورهای سوسیالیستی با کمکهای اقتصادی و فنی خود به صنعتی شدن کشور ما کمک میکنند و

(۱) مراجعه شود به "سالنامه آماری ۱۳۵۲ کشور" اسفند ۱۳۵۳، صفحات ۵۵۷-۵۹۴

عمده ترین طرحهای صنعتی نظیر ذوب آهن و ماشین سازی را در کشورها به اجرا درمی آورند و بازرگانی خارجی ایران با این کشورها از سلامت برخوردار است. پایه پای کمتهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به ایران حجم و ارزش صادرات ایران به آن کشورها سال بسال افزایش می یابد. تعادل در بازرگانی خارجی ایران و کشورهای سوسیالیستی و افزایش مداوم و بلاوقفه صادرات ایران به این کشورها و مبادله برابر و ثبات قیمت ها بنویسه خود از مشخصات بارز بازرگانی خارجی ایران - کشورهای سوسیالیستی است.

در سال ۱۳۵۲ با اینکه سهم کشورهای سوسیالیستی در کل واردات ایران ۹٫۱ درصد بوده و سهم همین کشورها در صادرات ایران به خارج ۲۴٫۴۷ درصد بوده است. درست از سالی که کمتهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی و درزهای آنها اتحاد شوروی به ایران آغاز شده و سهم آن کشورها در صادرات ایران بخارج رو به افزایش گذاشته و حتی به قریب ۴۰ درصد در سال ۱۳۴۸ افزایش یافته است (۱). در همین سال گذشته ۱۳۵۳ اتحاد شوروی با قائل شدن مزایای بیشتری بسرای صادرات ایران و موجبات افزایش صادرات ایران به آن کشور را به میزان سه برابر فراهم آورد (۲). اگر کمتهای اقتصادی و فنی به صنعتی شدن یک کشور لازمه ای گاهی صادرات و عدم توازن در بازرگانی خارجی بود و قاعدتا باید بازرگانی ایران و کشورهای سوسیالیستی در دهه اخیر بدترین نوع این عدم تعادل را بوجود می آورد. حال آنکه نه فقط چنین عدم تعادلی در این بازرگانی دیده نشود بلکه روابط بازرگانی ایران و کشورهای سوسیالیستی از سلامت کامل برخوردار است.

بنابراین مسئله بر سر صنعتی شدن و نشدن نیست. در همان سالهایی که دول امپریالیستی با صنعتی شدن ایران آشکارا مخالفت میکردند، نیز بازرگانی ایران با آن دول به زبان ایران و با عدم تعادل متوازن فاحشی همراه بود. مسئله اساسی در تفاوت ماهوی مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی با کشورهای در حال رشد است. مناسبات اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد بر اساس رعایت حقوق برابر و منافع متقابل و همچنین کمک به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای اخیر بنا نهاده. بهمین جهت با آنکه کشورهای سوسیالیستی و سیما به اجرای برنامه های صنعتی کردن کشورهای در حال رشد کمک میکنند و در عین حال بازرگانی کشورهای اخیر با کشورهای سوسیالیستی از سلامت و تعادل و توازن برخوردار است. کشورهای سوسیالیستی خود با اتخاذ تدابیر گوناگون به سلامت بازرگانی کشورهای در حال رشد کمک میکنند. در این مورد تسهیلاتی که اتحاد شوروی در روابط بازرگانی خود با ایران قائل شده مثال زنده است.

طی دهه اخیر سهم ماشین آلات و ادوات فنی در واردات ایران از اتحاد شوروی بطور مستمر و با سرعت افزایش یافته است. سهم این نوع کالاها در ۱۳۴۴ نه درصد و در سال گذشته ۱۳۵۳ بیش از ۲۰ درصد بوده است (۳). متقابلا در صادرات افزایش یافته ایران به اتحاد شوروی منظم بر سهم کالاهای صنعتی ساخت ایران افزوده شده است. در سال ۱۳۵۲ در صادرات ایران به اتحاد شوروی ارزش کالاهای صنعتی ساخت ایران به مبلغ ۳ میلیارد ریال بالغ بوده که ۲۵ درصد صادرات ایران به کشور همسایه را تشکیل میدهد (۴). چنین رقی اصولا در صادرات ایران به کشورهای

(۱) مراجعه شود به " سالنامه آماری ۱۳۵۲ کشور " اسفند ۱۳۵۳، صفحات ۵۵۲-۵۹۴

(۲) " اطلاعات " ۲۹ شهریور ۱۳۵۴

(۳) همانجا

(۴) " اطلاعات " ۲۷ شهریور ۱۳۵۳

صنعتی فرب مشاهده نمیشود.

از اختیارات مهم دیگر بازرگانی ایران با اتحاد شوروی محاسبه داد و ستدهای دو کشور بر اساس پایاپای است. موافقت نامه پرداختهایی که در سال ۱۳۴۳ بین ایران و اتحاد شوروی منعقد شده و فوائد مهمی را در بازرگانی خارجی نصیب ایران میکند. طبق این موافقت نامه در واقع دو کشور آن محصولات از تولیدات خود را مبادله میکنند که متوجه تقویت تولید داخلی است. این روابط با مناسبات بازرگانی غارتگرانه دول امپریالیستی با ایران که بر پایه سیاست معروف به درهای باز و تحمیلات گوناگون "فروشنده" به "خریدار" و سیاست کدائی "قیچی" (ارزان خریدن و گران فروختن) مبتنی است و تفاوت عمیقی دارد.

اختیاز مهم دیگری که اتحاد شوروی در بازرگانی خود برای ایران قائل شده اینست که صادرات ایران به آن کشور مانند صادرات همه کشورهای در حال رشد آسیا، آفریقا و امریکا لاتین، مشمول معافیت از حقوق گمرکی است که مشوق عمده ای برای افزایش صادرات این کشورهاست (۱).

مزیت مهم دیگر بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی، آمادگی آنها برای انعقاد موافقت نامه های دراز مدت بازرگانی است. اینگونه موافقت نامه ها که دول امپریالیستی اصولاً به انعقاد آنها تن در نمی دهند، از جهت تأمین امنیت برای رشد اقتصادی، کمک به توسعه صنعتی و افزایش مداوم و بلاوقفه صادرات کشورهای در حال رشد و اجدا اهمیت فراوان است. با انعقاد موافقت نامه دراز مدت بیسن ایران و اتحاد شوروی در هشتم مرداد ۱۳۴۹ در نظر گرفته شده طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ حجم بازرگانی دو کشور با در نظر گرفتن ارجحیت برای صادرات ایران به شوروی به مبلغ یک میلیارد دلار بالغ شود و صادرات کالاها صنعتی ساخته شده در ایران بیس از پیش افزایش یابد. اصول این موافقت نامه که حتی روزنامه "اطلاعات" نیز آنرا "سندی از همکاری سازنده و سالم" و "دیپلماسی هم برای صنایع جوان ایران" (۲) معرفی نموده، قبل از وقت و در سال ۱۳۵۲ به اجراء آمده است (۳).

منظرة بازرگانی ایران و کشورهای سوسیالیستی در دهه ای که این کشورها صادقاته به امر صنعتی شدن ایران کمک میکنند، چنین است. این منظره با بازرگانی دول امپریالیستی با کشورها که بدون آنکه به صنعتی شدن ایران کمک کنند بازرگانی ایران را به هرج و مرج افلاس آور کشانده اند - تفاوت فاحشی دارد.

هرج و مرج و اختلال عظیمی که روابط غارتگرانه بازرگانی دول غربی برای اقتصاد ایران بوجود آورده هم اکنون به رکود تولید داخلی و بیپژوه کشاورزی، در برابر سیل واردات کالاها، مصرف لوکس و بخصوص محصولات کشاورزی از امریکا و دیگر کشورهای غربی انجامیده. اختلال در امور بندری و حمل و نقل که تنها یک زبان آن پرداخت جریمه های میلیارد دلاری به کشتیهای است که ماهها برای تخلیسه در بنادر جنوب معطل میماند، فاسد شدن و از بین رفتن مقادیری عظیم از کالاها و وارداتی قبل از آنکه به مراکز مصرف برسد، از نتایج دیگر بازرگانی ایران با دول غربی است. بالاخره گرانی سرسام آور و تورم شتابان و ناپایب و کم پایی کالاها ضرورتاً فراط در واردات لوکس و بنجل از عوارض دیگر بازرگانی ناسالم ایران با امریکا و با زار مشترک و زاین است. تازه این ابتدای فلاکی است که آرزمندی دول امپریالیستی برای ربودن درآمد نفت ایران و تسلیم طلبی زمامداران در برابر مطامع آنان متوجه کشورها شده است.

(۱) "اطلاعات" ۲۷ شهریور ۱۳۵۳

(۲) "اطلاعات" ۱۲ مرداد ۱۳۴۹

(۳) "اطلاعات" ۲۷ شهریور ۱۳۵۳

تهدیدی که از جانب ۲۰ دایه<sup>۹</sup> روابط نابرابر و غارتگرانه بازرگانی دولت امپریالیستی با ایران توجه اقتصاد ملی و معیشت عمومی کشور ما است به مراتب شدیدتر کند و تراژانتیست که بتواند آنرا در چند سطر ترسیم نمود. • لیکن بنظر میرسد هرآنچه که گفته شد برای توضیح تفاوت بسیار عمیقی بین روابط بازرگانی دولت و سوسیالیسم و امپریالیسم - با کشورهای در حال رشد کافی باشد. • اکنون خواننده خسود میتواند قضاوت کند که جانبداری از بسط مناسبات بازرگانی با چه کشورهایی به سود ایران است و برای طرف کدام روابط باید با تمام قوا مبارزه نمود. •



## فصل چهارم

# اهمیت سرشتی کمک‌ها

### ۱- راه‌گشائی صنعتی

اهمیت کمک‌های فنی و اقتصادی اتحاد شوروی به ایران در سطح حل این یا آن مسئله که ما در صفحات پیشین این نوشته به آنها اشاره کردیم، مطرح نیست. واقعیت حاکی است که این کمک‌ها برای کشور ما اهمیت سرشتی داشته و در حل مسائل زیربنائی و آینده‌ای به کمک ایران آمده است. راه‌گشائی صنعتی، تقویت مقاومت ضد امپریالیستی و تسریع در تحولات اجتماعی دهه اخیر را مدیون این کمک‌ها هستیم.

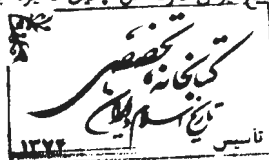
ارتقاء صنایع ماشین‌درایران از مرحله تولید وسائل مصرفی به مرحله تولید وسائل تولید که ما در مستلزم ایجاد ذوب آهن و ماشین‌سازی بود، قبل از جنگ دوم جهانی دیگر بصورت پیک ضرورت‌های اقتصادی خود نمائی میکرد. تحت تاثیر همین ضرورت بود که دولت ایران در سال ۱۳۱۶ به خرید وسائل ذوب آهن و ساختمان کارخانه آن درایران اقدام کرد. لیکن چنانکه میدانیم و قبلاً گفته شد، آن اقدام به نتیجه نرسید و مقیم ماند.

طبیعی است که در دوران پس از جنگ دوم جهانی ادامه رشد اقتصادی بیخ از پیشی ضرورت ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین‌سازی و دقیقتر گفته شود صنعتی شدن را به امر مؤکدی بسندل میساخت. در این دوره علاوه بر همین جوانب اقتصاد کشور، منجمله رشد صنایع سبک و درگرو ایجاد "صنایع سنگین مادر" باقی مانده بود. ضرورت‌های رشد اقتصادی و اجتماعی ایران را در برابر صنعتی شدن و گام گذاشتن در این راه قرار داده بود. لیکن دول امپریالیستی با مخالفت و مقاومت در برابر ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین‌سازی درایران مانع از چنین تحولی بودند.

مخالفت دول امپریالیستی با صنعتی شدن ایران باعث شده بود همه اقتصاد کشور در مرحله نازلی از رشد متوقف شود. حفظ رژیم ارباب رعیتی در داخل نیز به این جریان کمک میکرد. در همین جریان بود که تلاش‌های مربوط به رشد صنایع سبک ماشین‌نیز، با آنکه قدم‌های اولیه برای ایجاد آن برداشته شده بود، مقیم میماند. هر بار که این صنایع به حد معینی از رشد میرسید و درخواست بازار داخلی را قبضه کند، با مشکل فقدان صنایع سنگین و تکنولوژی آن در داخل و واردات عظیم کالاهای مصرفی از خارج برخورد میکرد. گرفتار رکود و بحران میشد و دوباره به عقب برمیگشت.

مشاوران امریکائی ماورا بحاره که تنظیم اولین نقشه هفت ساله ایران به آنان محول گردیده در گزارش خود متذکر شده اند که در سال‌های اولیه پس از جنگ دوم جهانی تنها از جانب سرمایه داران ایرانی سفارشی خرید بیخ از ۶۰۰ هزار دلار نساجی به خارج داده شده بود. این رقم سه برابر دوک‌های موجود در کارخانه‌های نساجی ایران در آن زمان بود. پایین وجود تعداد کارخانجات نساجی و قند ایران تا اواخر سال‌های ۱۳۴۰ همچنان به تعداد انگشتان دست باقی مانده بود و تحرک قابل ملاحظه‌ای در رشد این صنایع و اصولاً بخش‌های دیگر اقتصاد ملی ایران مشاهده نمیشد.

یک دهه قبل اقتصاد صنایع ایران در داخل چنین دایره بسته‌ای محصور مانده بود. صنعتی





شدن تحت علامت سؤال بود. جامعه ایران را با این بحث سرگرم نگاه داشته بودند که آیا ایران کشوری است کشاورزی یا باید صنعتی شود. تنها با ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین سازی این دایره جهشی شکسته شد و راه برون رفت صنایع ایران از مراحل ابتدائی رشد هموار گردید و ایران در جاده صنعتی شدن قدم گذاشت. این یک جریان تاریخی است که اهمیت آن غیر قابل انکار است. اگر اتحاد شوروی به کماله ایران نمی آمد، کشور ما امروز نیز در همان وضع اوائل دهه گذشته درجا میزد و معلوم نبود چند دهه دیگر باید به انتظار بماند.

باز راه گشائی ایران به سوی صنعتی شدن، راه رشد به روی همه اقتصاد ملی ایران، منجمله صنایع سبک که در دهه اخیر رشد قابل ملاحظه ای یافته، باز شد. کماله اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به تقویت پدیده هائی انجامیده که به سود اقتصاد ملی عمل میکند. با سرمایه گذاریهای دولتی در ذوب آهن و ماشین سازی و توسعه شبکه راه آهن و دیگر صنایع زیربنائی، بخش عموس اقتصاد ایران تقویت گردید که در شرایط کشور ما و اصولاً همه کشورهای در حال رشد اهم مہی برای تسبیح در پیشرفت بشمار میرود. در عین حال بخش خصوصی و بویژه آن بخشی که در توسعه صنعتی و ازدیاد تولید داخلی نفع است و میتواند نقشی در مجموعه اقتصاد کنونی داشته باشد، نیرو گرفت.

صاحبان صنایع ملی خود این واقعیت را تائید میکنند که تحرکی که در رشد بخش خصوصی با ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی بوجود آمده در هیچ دوره ای از ادوار رشد اقتصاد ایران سابقه نداشته است. دکتر طاهر ضیائی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در کنفرانس بین المللی سرمایه گذاری خصوصی در همین اواخر رسماً اعتراف کرد که "توسعه اقتصاد ایران به خصوص از سال ۱۹۶۴ به اینطرف سریع و شایان توجه بوده است" (۱).

کماله اقتصادی و فنی اتحاد شوروی نه تنها راه صنعتی شدن را به روی ایران گشود، بلکه علیرغم مخالفت دول امپریالیستی، آنان را به عقب نشینی وادار کرد و تاگزیر ساخت در روی گذشته، مخالفت و مقاومت در برابر صنعتی شدن ایران تجدید نظر نمایند. دول امپریالیستی تا قبل از ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی در ایران با تمام قوا از شرکت در اجرای طرحهای صنایع اساسی در ایران امتناع داشتند. لیکن در رسالههای اخیر ما شاهد ایجاد برخی از واحدهای صنایع سنگین هستیم که البته با حفظ پاره ای امتیازات امپریالیستی و نواستعماری با استفاده از تکنولوژی غرب در ایران ساخته میشود. رشد صنعتی ایران در مرحله کنونی و در همسایگی اتحاد شوروی یک ضرورت تاریخی است. گرچه مقاومت دول امپریالیستی در برابر صنعتی شدن ایران هنوز نقشی تعیین کننده دارد، ولی اجبار آنان به عقب نشینی امری ناگزیر است. تکیه به کمکهای فنی و اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی عالمی است که دول امپریالیستی را به ترک مواضع مخالفت با صنعتی شدن ایران وادار میسازد.

## ۲- تکیه گاه مقاومت ضد امپریالیستی

کمکهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی به صنعتی شدن ایران در دهه گذشته علیرغم نیات ذهنی رژیم و هاه پایگاه مطمئنی برای تقویت مواضع مردم ایران در مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و سیاست نواستعماری آن بوده است. در ریزتو این کمکها قسمت مہی از تلاش دول امپریالیستی و انحصارات غارتگران در استقرار و بسط سلطه، بلا منازع خود بر اقتصاد ایران خشی شده و در موارد مہی به تحقق هدفهای ملی مردم ایران میدان داده شده.

در بحث از موضوع تاثیرکنکهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در تقویت مواضع مردم ایران در مبارزه علیه تسلط امپریالیسم در دهه گذشته مسائل بسیاری میتوانند مطرح شود. پرداختن به هر یک از این مسائل چه از نظر نتایج بدست آمده و چه از نظر نتایجی که در پی خواهد داشت و واجد اهمیت بسیار است. مثلا ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی با کمک فنی و اقتصادی اتحاد شوروی موجب شد راه نفوذ سرمایه های انحصاری آهن و فولاد دول امپریالیستی به صنایع سنگین ایران که زبانه های آن از نظر حال و آینده کشور روشن است، بسته شود و حداقل در این امر حیاتی مواضع پرتود را اختیار سرمایه داخلی قرار گیرد. ورود آهن و فولاد تولید شده در داخل به بازار کشور و این امر که کارخانه و سد و پل و راه را میتوان با آهن داخلی و ماشین آلات تولید شده در داخل ساخت مسلماً از نظر تقویت مواضع ایران در کسب استقلال و تنگ کردن عرصه به کالا و سرمایه خارجی با خود چنان نتایجی به همراه می آید که بهیچ وجه آن چندان دشوار نیست.

با این وجود قصد ما در اینجا پرداختن به مسائل یاد شده که بنوعی خود بسیار اهمیت دارد نیست. در اینجا ما میخواهیم تنها به توضیح نکته مطلبی که با بحث پیرامون تاثیرکنکهای کشورهای سوسیالیستی در تحکیم مواضع ایران در مبارزه علیه امپریالیسم ارتباط مستقیم دارد و در همین حال طرح این مطلب از نظر سرنوشت مبارزه ضد امپریالیستی ملت ماد رنفت و اجدا اهمیت فراوان است، بپردازیم. مطلب مورد نظر موضوع خرید گاز ایران است که یکی از سه قرارداد مهم صنعتی اولین موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی را در ده سال قبل تشکیل میدهد.

قبل از اقدام دولت اتحاد شوروی به خرید گاز ایران، کشور ما که کشوری نفت خیز بود و از آغاز قرن صنایع نفت در آن ایجاد شده و استخراج و صدور نفت آن در سال ۱۳۴۴ به صد میلیون تن بالغ شده بود، فاقد صنایع گاز بود (۱). ککسرسیوم غارتگر نفت نه فقط گازهای تصاعد از چاههای نفت را که حجم آن در همان سال به ۱۵ میلیارد مترکعب بالغ میشد (۲) مورد استفاده صنعتی و بازرگانی قرار نمیداد بلکه از تزریق این گازها به چاههای نفت نیز که از نظر بهره برداری معقول از ذخایر نفت ضرورت داشت، امتناع مینمود. همه ساله دهها میلیارد مترکعب ثروت گاز ایران هسوخ و بدون توجه به هدر داده میشد.

خرید گاز ایران از جانب اتحاد شوروی قبل از همه موجب شده از قسمتی از ثروتی که بیپسود و سوزانده میشد، استفاده مالی و بازرگانی بعمل آید. طبق قرارداد های صنعتی منعقد با اتحاد شوروی قیمت تأسیسات صنعتی ذوب آهن و ماشین سازی و دیگر کنکهای فنی اتحاد شوروی به ایران شامل بخشی از قیمت گازی میشود که به آن کشور فروخته شده. هنگام انعقاد این قرارداد ها قیمت مجبوم این تأسیسات ۶۰۰ میلیون دلار برآورد گردید.

تا همین امروز دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی نزدیک به سه میلیارد تن ذخایر نفت ایران را به غارت برده اند. در منطقه احتیاز ککسرسیوم حدود ۴۵۰ میلیارد مترکعب ذخایر گاز ایران سوزانده و به هدر داده شده است. ارزش نفت غارتی به قیمت امروز مبلغ ۲۱۰-۲۲۰ میلیارد دلار و ارزش ذخایر گاز سوزانده شده به حدود ۱۵ میلیارد دلار میرسد (۳). دول امپریالیستی از محل چنین غارت

(۱) مراجعه شود به " بررسی عملیات سال ۱۹۶۸ شرکت های عامل نفت ایران "، صفحه ۴۴

(۲) با هر تن نفت استخراجی از چاه های نفت ایران ۱۵۰ مترکعب گاز تصاعد میشود.

(۳) محاسبه از ماست. مبنای محاسبه قیمت نفت ۱۱۵ دلار قیمت است که اینک در مهرماه ۱۳۵۴ برای هر بشکه نفت خام خلیج فارس معین نموده است (اطلاعات " ۷ مهرماه ۱۳۵۴ )، مبنای بقیه در زیرنویس صفحه بعد.

شگرفی حتی به ایجاد پلک واحد صنعتی نظیر ذوب آهن اصفهان در کشور اقدام نکرده اند. با اقدام اتحاد شوروی به خرید گاز ایران و تمهید کلمه فنی و اقتصادی به کشیدن لوله سرتاسری گاز و ایجاد مراکز تجمع و صدور و پخش آن عملاً صنایع ملی گاز ایران پایه گذاری و ایجاد شد. ایران به کشوری دارای صنایع ملی گاز بدل گردید که برای پلک کشور نفت خیز لازم و موقعیت متنازی است. هیچ پلک از کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس تاکنون به چنین توفیقی دست نیافته اند. اینکه اکنون توانسته ایم به انعقاد قرارداد مهم دیگری در زمینه فروش گاز ایران به کشورهای اریهای غربی از طریق اتحاد شوروی توفیقی یابیم و برای استفاده ۲۵۰ میلیون متر مکعب دیگر از ثروت گاز خود شرایط لازم فراهم آوریم تنها پلک نمونه از امکانات مساعدی است که ایجاد صنایع ملی گاز در دهه گذشته برای کشور ما بوجود آورده است (۱).

لیکن اهمیت خرید گاز ایران از جانب همسایه شمالی در ده سال قبل تنها به پایه گذاری و ایجاد صنایع ملی گاز که اهمیت آن در ردیف ایجاد صنایع نفت و از نظر آینده حتی مهتر از آنست محدود نمیشود. جنبه مهتر تاثیر آن اقدام در تحقق ملی شدن ذخایر گاز کشور و خروج این ثروت مهم از امتیاز غارتگرانه کسرسیوم بین المللی نفت است.

در امتیازنامه داری و قرارداد تحمیلی ۱۹۴۲ تملک بر ثروت گاز امری فرضی تلقی شده بود. لیکن در قرارداد غیرقانونی ۱۹۴۳ با کسرسیوم کلمه گاز طبیعی با صراحت تمام گنجانده شده است. شرایط انقلاب علمی وقتی که استفاده از گاز میسر گردیده به این ثروت نیز مانند نفت در انحصار کارتل بین المللی نفت نگاه داشته شود. این واقعیت خود نشان میدهد که محافل غارتگر امپریالیستی از اهمیت تسلط بر ثروت گاز ایران غافل نبوده و برای ادامه تسلط انحصاری بر آن اقدامات لازمه را معمول داشته بودند. با این وجود کسرسیوم بهنگام معرکه تحمیل قرارداد فروش نفت در ۹ مرداد ماه ۱۳۰۲ که به دلالتی شخص شاه صورت گرفت و نتوانست ذخایر گاز ایران را نیز مانند نفت برای مدت ۲۰ سال دیگر در امتیاز انحصاری خود نگاه دارد. این امر نتیجه آن بود که با خرید گاز ایران از جانب اتحاد شوروی و کلمه اقتصادی وقتی آن کشور به ایجاد صنایع ملی گاز زمینه مادی ملی شدن ذخایر گاز ایران بوجود آمده بود و کسرسیوم چاره ای جز قبول این واقعیت نداشت. تحقق ملی شدن ذخایر گاز ایران بر چنین پایه ای صورت گرفت (۲).

توجه به جهت اخیر تاثیر کلمه های اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی و جد اهمیت اصولی و حیاتی است. در نظر گرفتن نتایج که در زمینه تحقق ملی شدن گاز از همکاری ایران و اتحاد شوروی به دست آمده و بکار بستن تجربه آن برای سر نوشت ثروت نفت که همچنان در امتیاز کسرسیوم غارتگر باقی مانده و جد اهمیت بسیار است.

ما بد رستی معتقدیم که اگر تجربه همکاریهای ایران و شوروی در زمینه گاز بزرگ نیز تعمیم داده

بقیه زیر نویس صفحه قبل :

محاسبه قیمت گاز ۹۶ سنت قیمت است که ایران از فروش هر هزار فوت مکعب گاز طبق قرار داد اخیر چند جانبه که در آذر ماه ۱۳۰۴ منعقد گردید از خریداران اروپایی غربی دریافت خواهد نمود. (شهران اکونومیست، ۱۵ آذر ۱۳۰۴).

- (۱) مراجعه شود به روزنامه "مردم"، اول دی ۱۳۰۴، "قرارداد فروش چند جانبه گاز".
- (۲) در "قرارداد فروش نفت" کسرسیوم اختیار صدور گاز تولیدی از کلیه مناطق نفت خیز حوزه قرارداد را از دست داده است. با اینحال در پلک مورد که آن نیز مهم است، اولویت کسرسیوم برای صدور گاز از خلیج فارس تحت شرایط معینی حفظ شده.

میشده مسلماً آرزوی ملی مادری شدن صنعت نفت نیز تحقق می یافت. اگر قیامات دولت ایران به خواست عمومی عمل میکردند و لااقل این سخن روزنامه "اطلاعات" را که حتی در تیرماه ۱۳۴۶ متذکر شد "بسا اعضاء قرارداد تاسیس کارخانه ذوب آهن، یکی از آرزوهای بسزرگ و دیرین ایرانیان در آستانه تحقق قرار گرفت" اما برای توسعه همکاری ایران و شوروی هنوز زمینه های دست نخورده زیادی وجود دارد و یکی از این زمینه ها استخراج نفت است (۱) ، بلکه عمل قرار میدادند ، مسلماً کشورها امروز از تسلط کمرسوم بین المللی نفت رهائی یافته بود و به معنی واقعی و نه مجازی صنعت نفتان ملی شده بود .

تقابل اتحاد شوروی به ابراز کلمه اقتصادی و فنی در زمینه صنعت نفت در همان اوائل کسبه همکاریهای اقتصادی و فنی در کشور در زمینه ذوب آهن و ماشین سازی و فروه های گاز آغاز شده بود ، ابراز گردید ، با اینکه افکار عمومی به ضرورت چنین همکاری آگاهی داشته ، این بار نیز جناح موثر هیئت حاکمه که درگیر وابستگیهای خوبی به دول امپریالیستی و انحصارات نفتی است ، از قبول این پیشنهاد هاسرباز زد ، اما زمامداران کشور هسایه ، ماعراق از قبول کلمه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در صنایع نفت استقبال نمودند و به برکت همین سیاست ، چنانکه امروز شاهدیم ، به تعلق کامل در خایر و ملی کردن واقعی صنعت نفت خود نائل شده اند .

موافقت نامه ابراز کلمه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به جمهوری عراق به منظور بهره برداری مستقل کشور اخیر از صنایع نفت رهیلا همالی در ۴ ژوئیه ۱۹۶۹ (تیرماه ۱۳۴۸) به اضا رسیده . اولین کلنگه صنایع ملی نفت عراق روز ۴ ژوئیه ۱۹۶۹ به زمین زده شد و با گذشت کتر از سه سال در ۲ آوریل ۱۹۷۲ (فروردین ۱۳۵۱) بهره برداری صنعتی از نفت رهیلا آغاز گردید . بدینسان با استفاده از کلمه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی جمهوری عراق در مدت کوتاهی و قبل از همه کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس مالک صنایع ملی نفت شد . از همین سکو - سکوی استفاده از کلمه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و حمایت ارد و گاه کشورهای سوسیالیستی بود که جمهوری عراق اول ژوئن ۱۹۷۲ (خرداد ۱۳۵۱) به لغو امتیاز غارتگرانه "عراق پترولیم کمپانی" اقدام کرد و همین روزهای اخیر ، در نهم دسامبر ۱۹۷۵ (آذر ۱۳۵۴) بالفو آخرین امتیازات انحصارات نفتی پیروزی کامل ملی شدن صنایع نفت خود را به جهان نیان اعلام داشت .

توضیح اینکه چگونه مردم و دولت جمهوری عراق به چنین پیروزی تاریخی مهمی دست یافتند ، ساده است . آنها به امر همکاری با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از دید مبارزه ضد امپریالیستی و منافع ملی نگرینستند و در زمینه های سرنوشتی مانند نفت از کلمه ارزنده این کشورها بهره گرفتند و به همین جهت از فوائد ناشی از این کمکها که ملی شدن نفت در راه من آنست برخوردار گردیدند .

واقعیت نشان میدهد که کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی ، تکیه گاه مطمئنی در تحکیم مواضع کشورهای در حال رشد در مبارزه ضد امپریالیستی و کسب استقلال ملی است . تسبیح در طرد تسلط امپریالیسم و نهل به استقلال اقتصادی ستلزم تکیه واقعی به این کمکهاست . رژیمهای که مانند رژیم شاه در کشورها ایران ، جامعه خود را از استفاده از امکانات همه جانبه همکاری با کشورهای سوسیالیستی محروم میدارند ، جبهه مقاومت ضد امپریالیستی را ضعیف میسازند . با تحکیم استقلال ملی دشمن میوززند و مقاصد امپریالیسم را بر می آورند .

(۱) "اطلاعات" ، ۲۹ تیرماه ۱۳۴۶

## ۰۲ تسریع در تحولات مطلوب اجتماعی

اهمیت اساسی و زیر بنائی دیکر کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی به ایران در دهه گذشته تاثیر مطلوبی است که از آنها در تسریع تحول طبقاتی به سود طبقه کارگر و نیروهای اصیل انقلابی بدست آمده و می آید. نقش موثر و ارزنده کمکها در این زمینه غیر قابل انکار است. متوقف ساختن اقتصاد ایران در مرحله قبل از صنعتی شدن و تحول طبقاتی جامعه منجمد رشد کمی و کیفی طبقه کارگر را در سطح نازل نگاه داشته بود. نیروی انسانی عظیمی که در نتیجه رشد و توسعه روابط سرمایه داری و تبدیل نیروی کار به کالا از تولید سنتی در روستا و شهر جدا میشد و بجای آنکه جذب صنایع ماشینی شود و ارتش پرولتاریای صنعتی را بوجود آورد یا از جانب کارگاههای کار دستی نظیر قالی بافی جذب میشد و پایه اردوی بیکاران و مهاجران می پیوست و یا مجدداً راه روستا را در پی می گرفت و وارد در تولید و تولید مکرر روابط ارباب رعیتی میشد.

رشد روابط سرمایه داری در ایران در شرایط تسلط امپریالیسم و بسته بودن راه صنعتی شدن اقتصاد ایران به توسعه بیخ از پیش کارگاههای کار دستی می انجامید که رفته رفته نیروی کار بیشتری را جذب میکرد. در سرشماری ۱۳۴۵ شاغلان در تولید صنعتی در ایران بیش از ۱۶۷۶ هزار نفر آمار برداری شده است (۱). از این عده بیش از یک میلیون نفر در کارگاههای کار دستی به کار گرفته شده بودند. این کارگاههای کوچک و پراکنده چنان مراکزی نبودند که بتوانند پرولتاریای مبارز و متشکلی را که جامعه ایران به آن نیاز دارد به پروراندند. کارگاههای کار دستی که در آنها اشتغال سرمایه داری با ظلم قر و ن وسطا می توان مان بکار گرفته شده و مایه زحمتکش ایران را در سخت ترین شرایط استثمار روحشیا نه قرار میدهند. به سلامت جسمی و روانی آنان لطمه میرساند و در عین حال کارگران را در سطح نازل تشکسل صنفسی و آگاهی طبقاتی ابقا میکند. در باره همین کارگاههاست که لنین بد رستی یاد آور میشود که کار در آنها " با توسعه حد اعلا ی اسارت و وابستگی شخصی و سخت ترین و بیشترین محرومیت و ناتوانی برای زحمتکشان همراه است" (۲).

شرایط عمومی رشد طبقه کارگر ایران در یک دهه قبل و پیش از آغاز صنعتی شدن کشور چنین بود. ایجاد صنایع نفت و برخی واحدهای ماشینی از آنجا که صنعت نفت برکنار از اقتصاد ایران رشد می یافت و تعداد واحدهای صنایع ماشینی اندک و رشد آنها نیز متوقف بود و تغییری در این وضع نهداد. در اینجا و در سائل مربوط به رشد طبقه کارگر ایران نیز ما با همان دایره بسته جهنی روبرو بودیم که در قسمت قبلی و در توضیح راهگشائی ایران به سوی صنعتی شدن به آن اشاره کردیم. دول امپریالیستی و ارتجاع ایران با جلوگیری از صنعتی شدن ایران شرایط ناگوار و ناساعدی را برای ر شد کمی و کیفی طبقه کارگر ایران و دیکر طبقات زحمتکشی بوجود آورده بودند. این وضع به سود طبقات و اقشاری بود که از عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی کشور ما بهره برداری میکردند.

اهمیت کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در دهه گذشته به کشور ما در آنست که با این کمکها به همراه گشودن شدن راه برای صنعتی شدن ایران و در عین حال راه تحولات مطلوب طبقاتی گشودن میشود. این کمکها به ایجاد شرایطی می انجامد که بویژه برای شکل یابی طبقه کارگر با وزن مخصوص پرولتاریای صنعتی ضرور است. از نظر تکوین شرایط عینی انقلاب ملی و مکراتیک و تدارک پیروزی آن بی گمان این مهمترین پدیده دهه اخیر حیات اجتماعی کشور ما شمرده میشود.

(۱) " سالنامه آماری ۱۳۵۱ کشور " اسفند ۱۳۵۲، صفحه ۹۳

В.И. Ленин, пол. соч. изд. 4, Т.3, стр.390

(۲)

هنوز هم طبقه کارگر ایران مراحل اولیه رشد کمی و کیفی خود را می پیماید. با این وجود نمیتوان انکار کرد که تحولی که در دهه گذشته بر اثر ایجاد ذوب آهن و صنایع ماشین سازی و تانکران در بهشترفت بخشهای دیگر صنایع و اقتصاد ایران پدیدار شده و به ایجاد واحدهای عظیم صنعتی که در آنها هزاران کارگر متمرکز است ویکاربرد بیشتر و سرمتر ماشین در اقتصاد ملی کشور ما منتهی شده و میشود شرایط مساعد کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته برای رشد کمی و کیفی در اختیار طبقه کارگر قرار میدهد. در این زمینه اهمیت آنچه در دهه اخیر صورت گرفته و در حال تحقق است به مراتب بیشتر از تغییراتی است که از آغاز رشد سرمایه داری در ایران صورت پذیرفته. به برکت ایجاد ذوب آهن و صنایع ماشین سازی اکنون دیگر پرولتاریای صنعتی ایران در حال شکل یافتن است (۱). این پرولتاریا که چه هنوز کم عدد است لیکن به همراه کارگران صنایع نفت و گاز، راه آهن و صنایع ماشین نساجی که قدمت بیشتری دارند در حال تبدیل به آن نیروی ارزنده ای است که نه فقط به طبقه خود شکل میدهد و آن را برای ایفای نقش تاریخی آماده میسازد، بلکه قادر است نقش سرکردگی طبقه کارگر را در جنبش ملی و دمکراتیک کشور ما از قوه به فعل درآورد.



(۱) برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به مجله "دنیای ما" شماره ۵۹ آذرماه ۱۳۴۵ "برخی پدیده های رشد کمی و کیفی طبقه کارگر و نتایج سیاسی مترتب بر آن" صفحه ۲۶-۳۳

## رژیم ضد ملی کارشکنی میکند

۱. هیئت حاکمه و کنگها در دهه گذشته

برای خواننده ای که اکنون با جهات و جوانب گوناگون و اهمیت سرشتی کنگهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی به ایران آشنا شده، قطعاً چنین سئوالی متبادر به ذهن است: آیا هیئت حاکمه ایران لااقل در دهه گذشته از کلیه امکانات این کنگها به سود ایران استفاده کرده است؟ به این سئوال صریحاً میتوان پاسخ منفی داد. هیئت حاکمه ایران نه فقط از کلیه امکانات کنگهای ارزنده جامعه کشورهای سوسیالیستی استفاده ننموده و نه فقط خود مبتکر توسعه این کنگها نشده، بلکه پیشنهادهای مختلفی را که از جانب کشورهای سوسیالیستی در جریان دهه گذشته ارائه شده و قبول آنها میتوانست اثرات مهمی در تسریع پیشرفت اقتصادی و صنعتی ایران داشته باشد، نادیده انگاشته و مورد توجه قرار نداده است. طبیعاً است که در این رویه هیئت حاکمه ایران متکی به ماهیت طبقاتی خود، سیاست درونی خصمانه، خواهی به کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه متکی به تمهیدات خوبی در برابر دول امپریالیستی و بیژنه امپریالیسم آمریکا بوده که با رشد واقعی اقتصادی و استقلال سیاسی ایران تناقض فاحش دارد.

بسیار آشناش خواننده با واقعیت، به اختصار برخی پیشنهادات اتحاد شوروی را در باره توسعه همکاریهای اقتصادی و فنی بین دو کشور همسایه که از جانب دولت ایران نادیده همسده به استناد آنچه در مطبوعات داخلی به آنها اشاره شده، یادآور میشویم.

آخر فروردین ۱۳۴۶ تنها یکسال و چند ماه پس از انعقاد قرارداد های ذوب آهن، ماشین سازی و گاز، یک هیئت عالی رتبه اتحاد شوروی به ایران آمد. در آخرین روز اقامت این هیئت در ایران، ۲۷ فروردین ۱۳۴۶، موافقت نامه جدید توسعه همکاریهای فنی و اقتصادی ایران و شوروی به امضا رسید. در این موافقت نامه که "اطلاعات" در سر مقاله خود در باره اهمیت آن نوشت: "این از جمله بهترین موافقت نامه های فنی و اقتصادی است که در تاریخ روابط کشور با جمهوری سوسیالیستی شوروی بسته میشود و اجرای آن تاثیر شگرفی در حیات صنعتی و شئون اقتصادی و اجتماعی و بازرگانی ما خواهد داشت" (۱) چنین آمده است:

"دو کشور تمایل خود را به افزایش گاز تحویل ایران تا میزان ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال و همچنین فروش نفت به اتحاد شوروی ابراز داشتند. ضمناً موافقت شد در مناطقی آزادی از کشور ایران، دولت شوروی و شرکت ملی نفت ایران برای اکتشاف و استخراج نفت همکاری کنند. در مورد کنگ اتحاد شوروی به اجرای برنامه چهارم عمرانی کشور موافقت گردید که در رشته های صنایع و ارتباطات و برق و سد سازی و آبپساری و

(۱) "اطلاعات" ۲۸ فروردین ۱۳۴۶

اکتشاف معادن و ذوب فلزات و دولت مذکور احتیاجات طرح های مشخصی را  
تعدد ی راتا مین نماید و هزینه را از گاز و نفت تحمیلی به اتحاد شوروی مستهلک  
سازد. (۱)

اهمیت طرحهای پهن بینی شده در این موافقت نامه از نظر ضایع ایران برای خواننده روشن  
است و احتیاج به توضیح اضافی نیست. مافقط یاد آور میشوم که تا سفانه همکاریهای تصریح شده در  
این موافقت نامه که در تمقیب انعقاد قرارداد های صنعتی ذوب آهن و ماشین سازی و خرید اولیه  
گاز متوانست یک تحرک واقعی و بسابقه به رشد اقتصاد ایران و امر صنعتی شدن کشور ما بدهد. به  
اجرا در نیاید. مقامات دولت ایران ترجیح دادند موافقت نامه ای را که خود اضا کرده بودند و در آن  
همکاری در کشور بهر چه در مسئله نفت که برای کشور با اهمیت حیاتی داشته قید شده بود. تحت  
فشار امپریالیستها و از آنجمله تحت فشار کارتل بین المللی نفت بدست فراموشی سپارند. اکنون که ما  
نتایج همکاریهای ایران و شوروی را در اجرا اولین موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی در دست  
داریم و در این نوشته با اثرات آن بر وضع کشور خود در دهه گذشته آشنا شدیم. بیگمان بنایسه یک  
مهمین پرست نمیتوانیم از اینکه اصول دومین موافقت نامه همکاریهای ایران و شوروی که شامل مسائل  
بمراتب مهمتری بوده و به اجرا در نیامده. تا سف نباشیم.

لیکن پیشنهاد های مثبتی که از جانب کشورهای سوسیالیستی برای توسعه همکاریهای ایران و  
آن کشورها عنوان شده تنها به اصول موافقت نامه ای که از آن یاد کردیم محدود نبوده است.  
در فروردین سال ۱۳۴۷ بهنگام سفر نخست وزیر اتحاد شوروی به ایران همزمان با تاهکید این  
مطلب که دولت شوروی برای اجرای موافقت نامه های ضمیمه آمادگی دارد. صحبت از ایجاد  
پروژه های بزرگ صنعتی دیگری منجمله واحدهای عظیمی در زمینه ذوب سرب و روی در ایران با  
استفاده از کمک فنی اتحاد شوروی به میان آمد (۲). در همین هنگام طرحهای شایهسی منجمله  
پیشنهاد ساختن کارخانه های واکن سازی و تولید پیستون و رینگه دنده اتومبیل و کارخانه های  
سازنده تا سیمسات پتروشیمی و پالایشگاههای نفت از جانب دولت جمهوری چکسلواکی به ایران  
ارائه شد (۳). همچنین هیئت مجارستانی با پیشنهادات ساختن کارخانه های کود شیمیایی و  
کارخانه های تولید مواد غذایی و احداث کارخانه های مشترک داروسازی به ایران آمد. هیئت های  
بلغاری و لهستانی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با پیشنهادات شایهسی یکی پس از دیگری به ایران  
آمدند و تمایل خود را به بسط مناسبات و ابراز کمکهای وسیع فنی و اقتصادی به ایران ارائه دادند که  
تقریبا همه آنها سکوت ماند.

در آذرماه ۱۳۴۸ بهنگام اجلاس هیئت اقتصادی ایران و شوروی در تهران نیز  
همزمان با اعلام موافقت دولت شوروی برای کمک به تربیت کادر فنی و تکنیسین در ایران اطلاع داده شد  
که کارشناسان شوروی برای ارتباط و توسعه راه آهن های ایران در زمینه برقی کردن راه آهن  
تبریز - جلفا و احداث خط آهن بین قزوین - رشت - آستارا و اتصال یکی از بنا در شطال به راه  
آهن و اتصال راه آهن مشهد به راه آهن عشق آباد پیشنهاد های به دولت ایران داده اند (۴).

(۱) "اطلاعات" ۳۰ فروردین ۱۳۴۶

(۲) "اطلاعات" ۲۴ فروردین ۱۳۴۷

(۳) "اطلاعات" ۱۱ اردیبهشت و ۲۱ اسفند ۱۳۴۷

(۴) "اطلاعات" ۲۰ دیماه ۱۳۴۸ و ۲۰ آذر ۱۳۴۸



در مهرماه ۱۳۴۹ هنگام سفر رئیس کمیته دولتی شوزای وزیران اتحاد شوروی برای روابط اقتصادی با کشورهای خارجی به ایران ه ضمن اعلام آمادگی اتحاد شوروی جهت افزایش ظرفیت کارخانه ذوب آهن ایران تا چهار میلیون تن در سال ه زمینه های دیگری برای توسعه همکاریهای ایران و شوروی پیشنهاد شد . منجمله رئیس هیئت نمایندگی شوروی در نطق خود در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی اعلام داشت که :

" ما معتقدیم که امکانات برای همکاری بعدی در مسائلی مانند افزایش تحویل گاز از ایران و همکاری در عملیات اکتشافی و زمین شناسی برای نفت و مواد معدنی و ساختمان کارخانه های برق و استخراج و ذوب فلزات آهنی و فلزات رنگی و کشاورزی ورشته های دیگر وجود دارد . " ( ۱ )

در جریان همین سفر بود که اعلام شد برای ایجاد واحد های کوب شیمیائی با استفاده از کمک فنی اتحاد شوروی به منظور تامین احتیاجات ایران و بازارهای ثالث با استفاده از گاز منطقه سرخسی موافقت اصولی حاصل شده و در زمینه کشاورزی با تشکیک سانی طرفین واحد های کشت و صنعت ایجاد خواهد شد ( ۲ ) . متأسفانه این پیشنهاد هانیز بعد اطبق معمول از جانب دولت ایران بدست فراموشی سپرده شد .

در کلیه این پیشنهاد ها ه منجمله در جریان انعقاد موافقت نامه همکاری ۱۲ تا ۱۵ ساله بین ایران و اتحاد شوروی در مهرماه ۱۳۵۱ نیز زمینه های مهم بکر و تازه ای برای بسط کنکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران ارائه شد . در مورد همین موافقت نامه اخیر " اطلاعات " چنین خاطرنشان ساخت :

" اتحاد شوروی بر اساس این موافقت نامه در توسعه کشاورزی ه صنعتی ه آبیاری ه ماهیگیری ه حمل و نقل ه تولید و انتقال نیرو ه اکتشافات نفتی و معدنی و تاسیسات کارشناسان و برنامه ریزی اقتصادی و صنعتی با ایران همکاری همه جانبه ای را آغاز خواهد کرد . " ( ۳ ) .

موافقت نامه اخیر نه فقط از آن جهت که اتحاد شوروی برای ابراز کمک به همه جوانب اقتصاد ملی ایران اظهار آمادگی نموده ه بلکه از جهت طول مدت آن هم که شرایط مساعدی را برای رشد بلا وقفه اقتصاد ایران فراهم می آورد ه واجد اهمیت بسیار فوق العاده است . با این وجود در این مورد نیز کام علی مهبی از جانب دولت ایران در تحقق هدفهای عمده موافقت نامه دراز مدت همکاری اقتصادی برداشته نشده است .

بررسی همکاریهای اقتصادی و فنی بین ایران و اتحاد شوروی در دهه گذشته نشان میدهد که دولت ایران پس از انعقاد اولین موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی در دیماه ۱۳۴۴ دیگر قدم مهم و اساسی در راه توسعه این همکاریها برداشته است . مقامات دولتی ایران ه بعکس در مسائلی د و کشور ه با آنکه زمینه های وسیعتری برای همکاری بوجود آمده ه تا حد ممکن در جهت محدود ساختن این همکاریها قدم برداشته اند . از این گذشته دولت ایران حتی راه عدول از بهبود آتی ضایعات

( ۱ ) \* اطلاعات \* ۱۵ مهر ۱۳۴۹

( ۲ ) \* اطلاعات \* ۱۶ مهر ۱۳۴۹

( ۳ ) \* اطلاعات \* ۲۲ مهر ۱۳۵۱

را پیموده است.

از اوائل سال ۱۳۴۸ دولت ایران ابتدا در جاده تشدید تأیلات نظامیگری گام گذاشت. سپس با دخالت در قضایای شبه قاره هندوستان، با بهانه گیری در مرزهای جمهوری عراق و اقدامات نظامی در خلیج فارس، ایران را به میدان سابقه تسلیحاتی کشانید و تأیلات امپریالیسم خاصه امپریالیسم امریکارابه اجرا گذاشت (۱).

طی سالهای اخیر، چنانکه شاهد هستیم، شاه هزینه های نظامی ایران را به جالب سرسام آور افزایش داده و خرید سلاحهای جنگی مدرن از امریکا و انگلستان و میزان آن را تا حدی بالا برده که بحق نگرانی همسایگان ایران را فراهم نموده. شاه در تهاجمات نظامی خارج از مرزهای ایران، پای خود را به آنسوی خلیج فارس و حتی مرزهای جمهوری تودیه ای د مکرانه زمین جنوس گذارده. او با دادن امتیازات نظامی به امپریالیستهای امریکا، چه در پایگاههای دریائی - نظامی ایران در خلیج فارس و چه اصولاً در داخل خاک ایران ( ایجاد سیستم خبرگیری رادار در خاک ایران رسماً از طرف مقامات دولتی ایران تأیید شد ) به اقداماتی دست میزند که دیگر با ضمون " یادداشت اطمینان بخشی " که از جانب دولت ایران به منظور رفع نگرانی از همسایه شمالی رسماً تسلیم دولت اتحاد شوروی شد و پایه همکاریهای اقتصادی و فنی قرار گرفت، مغایرت دارد.

از آنچه گفته شد و بهتین بر واقعیت است بوضوح دیده میشود که دولت ایران نه فقط دستی را که از جانب جامعه کشورهای سوسیالیستی برای ابراز کمکهای فنی و اقتصادی همه جانبه به ایسبران دراز شده بگرمی نغفرد و بسیاری از پیشنهاد های نهد و جالب از نظر تسریع در رشد اقتصاد و صنعتی ایران را ناپدید گرفته، بلکه رفته رفته خود به تخریب زمینه عمومی همکاریهای ایران و آن کشورها پرداخته است. چنین سیاستی هم مغایر مصالح ملی کشور ماست و هم با ضافع صلح منطقه و جهان در تضاد آشکار است.

طبعی است که در این رهگذر مسئولیت جدی و مهمی متوجه زمامداران رژیم ضد ملی است. آنها با رد یگر با ایستادگی در مواضع سنتی مخالفت با کشورهای سوسیالیستی و سیاست ور شکست شد، آنتی کمونیسم مانع از آن میشوند که کشور با استفاده از شرایط نوین تاریخی به استفاده وسیع از کمکهای بی شائبه نائل آید. کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی به ایران وثیقه تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی و تقویت کنند، مواضع ایران در مبارزه ضد امپریالیستی و نهل به پیشرفت اجتماعی است. رژیمی که کشور را از توسعه روابط و همکاریهای همه جانبه با کشورهای سوسیالیستی و در راه آنها اتحاد شوروی محروم میکند، به زبان استقلال و پیشرفت جامعه ایران اقدام میوزد. نیروهای شرقی و ملی همه خواستاران استقلال و پیشرفت اجتماعی مبارزه علیه این رژیم ضد ملی و مترجع را وظیفه مهمی خود میدانند.

## ۲. ضرورت توسعه همکاریها در حال و آینده

هیئت حاکمه هنگامی در کار توسعه همکاریهای فنی و اقتصادی و بسط روابط همه جانبه ایران با کشورهای سوسیالیستی اخلال میکند و راه کمکهای آن کشورها را به ایران محدود میسازد که کشور را جامعه ما بیی از پیچی به توسعه آن احتیاج دارد. بدون همین غلو و با اطمینان باید گفت که پیشرفت آنسی

(۱) مراجعه شود به مجله " دنیا " شماره ۸، آبان ۱۳۵۴، مقاله " تشدید جنبه های ضد ملی و ارتجاعی و خائنه در سیاست خارجی و نظامی رژیم شاه در سالهای اخیر "، صفحه ۳۱ - ۳۸

اقتصاد ایران به ویژه در زمینه تحکیم صنعتی شدن تنها و تنها در گرو بسط کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی به ایران است.

ضرورت توسعه روابط همه جانبه ایران و کشورهای سوسیالیستی قبل از همه در آنست که اقدامات اولیه ای که در زمینه صنعتی شدن ایران با استفاده از کمکهای اقتصادی و فنی آن کشورها در دهه اخیر بعمل آمده و نتایج مثبت و ارزنده ای ببار آورده منطقی باید ادامه یابد. مابا ایجاد اولین کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی فقط قدمهای اولیه را در راه دشوار صنعتی شدن برداشته ایم. این هنوز به آن معنی نیست که واقعا صنعتی شده و یا حتی باطمینان خاطر در جاده صنعتی شدن گام گذاشته ایم.

امروصنعتی شدن ایران هنوز نهال به ثمر نرسیده ای است که بادهای مخالف امپریالیستی میتواند آنرا ریشه کن و یا لااقل رشد آنرا برای سالها به تاخیر اندازد. برای آنکه کار صنعتی شدن ایران به ثمر برسد ما محتاج ایجاد صد ها واحد جدید صنعتی به اهمیت ذوب آهن و ماشین سازی هستیم. ما هم اکنون احتیاج شدید به نوسازی واقعی کشاورزی خود داریم. در همین وضع اساسی ریشه های دیگر اقتصاد ملی. بمنوان یک کشور در حال رشد به چنین هدفهای نقطه و فقط میتوانیم بسا تکیه به کمک و مساعدت همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در راه آنها اتحاد شوروی نائل شیم. راه دیگری وجود ندارد.

افزایش درآمد نفت ایران در چند ساله اخیر موجب شده است دولت امپریالیستی پیشنهاد های بظاهرفریبنده ای برای باصلاح صنعتی کردن ایران ارائه دهند. صفحات روزنامه ها از چند سال به این طرف پر از اخباری است که طابق آنها گویا هر روز در گوشه ای از کشور یک واحد عظیم صنعتی نظیر ذوب آهن، ماشین سازی و یا پالایشگاههای جدید نفت و نظایران ساخته میشود. اما همه این کارخانه ها فقط روی کاغذ بوجود می آیند. سال پنجمی است که از افزایش قابل ملاحظه درآمد نفت میگذرد. دو مین سالی راپشت سرمایه گذاریم که درآمد ایران از نفت به ۲۰ میلیارد دلار و بیشتر بالغ شده. با اینحال واحد های مهم صنعتی ایران همچنان محدود به آن مؤسساتی است که با کمک فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در ایران ساخته شده و میشود.

دولت امپریالیستی سیاست قدیمی جلوگیری از صنعتی شدن ایران را به کنار نگذاشته اند. آنها فقط روشهای مزورانه تری را در جلوگیری از صنعتی شدن ایران به اجرا گذاشته اند. هدف و عده های رنگین دولت امپریالیستی و انحصارات آن غارت ذخایر و تمامی درآمد نفت است و نه صنعتی شدن ایران. به همین جهت این وعده ها نباید کسی را بفریبد. آزمایشی مجدد انتظار کنیم از دولت امپریالیستی برای صنعتی شدن ایران تکرار همان آزمایشی تلخی است که در صد سال گذشته به قیمت عقب ماندگی ایران تبلم شد. مآتجریه ای را که در دهه گذشته از آن نتیجه مثبت گرفته ایم باید بکار بندیم و آن کمک اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی است.

لیکن تنها این مطلب نیست که ضرورت استفاده بیشتر ایران از کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی را در حال آینده خاطر نشان میسازد. ملاحظاتی اقتصادی و فنی و تکنولوژیی که در جهات دیگر صنعتی شدن یک کشور هستند که باید در نظر گرفته شود. بالاخره امر مهم صنعتی شدن یک کشور در حال رشد مستلزم توجه به ماهیت آن دولت صنعتی است که قادرند در تحقق چنین کاری شرکت جویند.

در جهان ما فقط دو دسته از دولت - دولت غربی با نظام امپریالیستی و اتحاد شوروی و دولت متحد آن با نظام سوسیالیستی قادر به کمک به صنعتی شدن کشورهای در حال رشد هستند. لیکن ما همیست نظام امپریالیستی با صنعتی شدن واقعی کشورهای در حال رشد استقلال اقتصادی آنها مغایر است.

امپریالیسم خواهان غارت ثروت‌های طبیعی و استثمار ملل کشورهای در حال رشد است و لذا نمیتواند بسا صنعتی شدن این کشورها به معنی حقیقی این کلمه سر سازگاری داشته باشد. تنها سوسیالیسم است که بنا به ماهیت خود، نه فقط پیشرفت واقعی اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد را ضروری بداند، بلکه تحقق آن را قسماً از شرایط رشد خود محسوب میدارد. آنها که نمی‌خواهند چنین واقعیت‌سنجی را ببینند در کار پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال رشد اخلال میکنند.

گذشته از آنچه گفته شد عامل مهم دیگری نیز تکیه وسیع به همکاریها و استفاده همه جانبه از کمک‌های کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی را در کار صنعتی شدن ایران ضروری می‌داند. کشور با اولیون کشور سوسیالیستی جهان که هم اکنون از لحاظ قدرت صنعتی و تکنولوژی و علمی و فنی سرآمد کشورهای جهان است، ۲۵۰۰ کیلومتر مربع مشترک دارد. از این عامل جغرافیائی مساعد باید آنچنانکه لازم است استفاده نمود و نه آنکه تا حد ممکن مرزهای دو کشور را بسته نگاه داشت.

هم مرزی با اتحاد شوروی به کشور با اجازه میدهد عظیمترین طرحهای صنعتی و کشاورزی و ساختنی و ارتباطی و فرهنگی و علمی خود را با تسهیلات بسیار هزینہ کم، در کوتاه مدت و بسا اطمینان به تحقق و کسب نتایج مثبت به اجرا درآورد. اتحاد شوروی همسایه ایران امروز دارای چنان قدرت عظیم صنعتی و فنی و علمی است که میتواند در اجرای طرحهای بمراتب عظیمتر از ایجاد و ب آهن و ماشین سازی و حتی طرحهای ایجاد قطبهای صنعتی و نظیر آنچه قرار است در اسفراین ساخته شود، به کشور ما کمک نماید. طرح اسفراین، که با استفاده از کمک فنی و اقتصادی اتحاد شوروی به اجرا درخواهد آمد، چنانکه روزنامه‌ها نوشته‌اند، شامل ایجاد چندین واحد عظیم ریخته‌گری و آهنگری و ماشین‌کاری قطعات مورد احتیاج صنایع کشور و تولید وسائل و ماشین آلات معدن و ساخت لوله‌های بزرگ و کارخانه‌ها به ظرفیت سالانه ۵۰۰ هزار تن خواهد بود (۱).

نقطه‌ی در زمینه صنعتی شدن کشور پیشرفت اقتصادی و فرهنگی آن، بلکه در زمینه‌های دیگر نیز امکان‌ها وسیع گسترده‌ای برای بهره‌گیری از کمک کشورهای سوسیالیستی بخصوص همسایه شمالی وجود دارد که تکیه به آنها از نظر تأمین منابع ملی ایران و مصالح مالی و اقتصادی ضرورت اجتناب ناپذیر دارد. هم اکنون در هیچ رشتهای از علم و صنعت و بازرگانی و فرهنگ نیست که کشورهای سوسیالیستی نتوانند جوابگوی خواست کشورهای در حال رشد، منجمله کشور ایران باشند. امروز ما شاهد تکیه دول غربی به همکاری وسیع فنی و علمی با کشورهای سوسیالیستی هستیم. با اینحال کشور ایران همچنان در جاده روابط تا بر اقتصاد فنی و بازرگانی با دول امپریالیستی سوق داده میشود. رژیم‌های ایران را در وضعی قرار داده که نمیتواند آزادانه به حل مسائل اقتصادی و رشد صنعتی و فنی خود اقدام کند. کشور ما از استفاده وسیع از کمکهای کشورهای سوسیالیستی که مسائل مهم اقتصادی ایران را تکیه آنها قابل حل است محروم نگاه داشته شده. این وضع به زیان حال و آینده ماست. نیروهای مبارز مردم ایران برای تغییر این وضع و ایجاد شرایطی که به کشور اجازه دهد بطور آزادانه و با نظر گرفتن منافع خمی به حل مسائل اقتصادی - اجتماعی خود بپردازد، مبارزه میکنند. حزب توده ایران با استقرار بناسبات برابر حقوق اقتصادی و بازرگانی و سیاسی صرفه‌تقابل با کلیه کشورهای موافق است. از آنجا که دول امپریالیستی تن به قبول چنین بناسباتی نمیدهند، ما بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی را در همین حال یکی از طرق مبارزه را در ساختن دول غربی به عقب نشینی و قبول بناسبات برابر حقوق با کشور خود میدانیم. تجربه ایران و همه کشورهای در حال رشد حاکی از صحت این سیاست است که تنها با بسط همه جانبه بناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای کوچک، میتوان بناسبات برابر حقوقی را به کشورهای امپریالیستی تحمیل نمود.

(۱) "کپهان هوایی" شماره ۱۵۳، ۱۹ آذر ۱۳۵۴

## فصل ششم

# توان کشورهای سوسیالیستی

### ۱- توان اقتصادی و صنعتی اتحاد شوروی

با پیشرفت‌های عظیم و سرسختی که نصیب اتحاد شوروی شده، این کشور هم اکنون بصورت بزرگترین قدرت اقتصادی و صنعتی و فنی جهان درآمده است. در آینده نزدیک و طی اجرای برنامه عمرانسی پنجساله دهم، موقعیت اتحاد شوروی از این لحاظ استحکام بیشتری خواهد یافت. این بدان معنی است که در آینده همچنان به امکانات عظیم فنی و اقتصادی اتحاد شوروی به کشورهای دیگر افزود خواهد شد. طبیعی است که از این امکانات تنها ملل و کشورهای وسیعاً استفاده خواهند برد که امروز باید ملی به فردای خود بنگرند و به مقتضای صالح رشد مستقل اقتصادی و پیشرفت اجتماعی خود عمل نمایند.

یک دهه قبل بهنگام آغاز یکمهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی به ایران و کشورهای همسایه شمالی در آغاز اجرای برنامه پنجساله عمرانی هشتم خود قرارداد داشت. اکنون اتحاد شوروی اجرای برنامه پنج ساله عمرانی دهم خود را آغاز می‌کند که مرحله عمده نوبی در ساختمان پایه‌های مادی و فنی کمونیسم در آن کشور بشمار میرود. طی اجرای برنامه‌های عمرانی پنجساله هشتم و نهم اتحاد شوروی مواضع خود را به عنوان یکی از دو کشور نیرومند صنعتی جهان تحکیم نمود. در این سالها اتحاد شوروی نه فقط بر کلیه کشورهای اروپای غربی و ژاپن پیشی گرفت، بلکه در بسیاری از رشته‌های علم و صنعت برای ایالات متحده آمریکا نیز سبقت یافت. طی نقشه عمرانی پنجساله دهم - سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ - این مواضع بیش از پیش تقویت خواهد شد و اتحاد شوروی و به همراه آن جامعه کشورهای سوسیالیستی - نیرومندترین قدرت صنعتی و اقتصادی جهان بدل خواهد گردید.

در جریان نقشه پنجساله عمرانی نهم طی سالهای ۱۹۷۱ - ۱۹۷۵ که با موفقیت کامل به اتمام رسیده، اتحاد شوروی به اعتلاء نمایان سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم شوروی بر اساس آهنگه سریع تولید سوسیالیستی و افزایش بهره‌دهی آن و پیشرفت علمی و فنی و تسبیح رشد بازده کار ناشل شده. تنها طی پنج سال تولیدات صنعتی ۴۳ درصد افزایش یافت و حجم محصولات صنایع ماشین سازی و فلزکاری ۱٫۷ برابر ارتقا پیدا کرد. تولید برقی طی پنجسال از ۷۴۰ میلیارد کیلووات به ۱۰۳۸ میلیارد کیلووات رسید. تولید نفت از ۳۰۲ میلیون تن به ۴۹۱ میلیون تن افزایش حاصل نمود. میزان بهره برداری از گاز از ۲۰۰ میلیارد متر مکعب به ۲۸۹ میلیارد متر مکعب بالا رفت. تولید فولاد از ۱۱۶ میلیون تن به ۱۴۱ میلیون تن برابر شد (۱).

См. Л.И.Брежнев, Отчетный доклад Центрального Комитета КПСС (1) XXIV Съезду Коммунистической партии Советского Союза, Москва, 1971, стр.59-60, "Правда", 14 декабря 1975, "Известия" 1.2.1976 г.

طی برنامه پنجماله دهه که در آن نیز هدف اساسی اعتلا بیشتر سطح زندگی مادی و معنوی مردم بر اساس رشد دینا بهنگ تولید اجتماعی و ثمردهی بیشتر آن معین شده ه اتحاد شوروی به قدرت نهروضه صنعتی و اقتصادی جهان بدل خواهد شد . طی اجرای این برنامه ه حجم تولیدات صنعتی بین ۳۵ تا ۳۹ درصد و حجم محصولات صنایع ماشین سازی و فلزکاری ۱ تا ۱٫۶ برابر افزوده میشود . در سال ۱۹۸۰ تولید برقی به ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ میلیارد کیلووات ه تولید نفت به ۶۲۰ تا ۶۴۰ میلیون تن ه بهره برداری از گاز به ۴۰۰ تا ۴۳۵ میلیارد مترکعب و تولید سالانه فولاد به ۱۶۰ تا ۱۷۰ میلیون تن بالغ خواهد شد . کشاورزی ه حمل و نقل و ارتباط و علم و فرهنگ از پیشرفتهای نظیری برخوردار خواهد بود . دستمزد زحمتکشان ه حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران ه کمک هزینه تحصیلی و دریافتهای دیگر مردم شوروی افزایش خواهد یافت . تنها طی پنجسال ۹۶ میلیون نفر تخصص دارای تحصیلات عالی و متوسطه تربیت خواهند شد و در همین مدت ۵۴۵ تا ۵۵۰ میلیون متر مربع خانه مسکونی جدید ساخته شده در اختیار زحمتکشان قرار خواهد گرفت ( ۱ ) .

چنانکه از همین ارقام دیده میشود ه اتحاد شوروی که هم اکنون در برخی رشته های تولید بر آمریکا پیش گرفته ه درجهان نقشه پنجماله دهه وضع خود را بعنوان بزرگترین قدرت اقتصادی و صنعتی در رشته های اساسی تولید تثبیت و تسجیل خواهد کرد . بجزه این امر در زمینه آهنگه رشد تکنولوژی و صدوران به کشورهای خارج صورت خواهد گرفت .

اتحاد شوروی هم اکنون از لحاظ آهنگه رشد و تجربیات تکنولوژی برد یگر کشورهای صنعتی پیش گرفته است . از نوآوریهای اتحاد شوروی در زمینه علم و صنعت ه منجمله در زمینه صنایع آهن و فولاد در ژاپن ه فرانسه ه آلمان فدرال ه آمریکا ه ایتالیا ه وکانادا استفاده به عمل می آید . تنها طی مدت یکسال در ۱۹۷۴ در اتحاد شوروی سه هزار نمونه از انواع جدید ماشین آلات ه ابزار و وسایل و دستگاه های خودکار تهیه شده و تولید ۳۵ هزار محصول جدید صنعتی که بسیاری از آنها در سطح جهانی است و برخی اصولا منحصر به فردند ه آغاز شده است ( ۲ ) .

طبیبی است طی نقشه پنجماله دهه در این زمینه های از هم موفقیت های بیشتری نصیب اقتصاد اتحاد شوروی خواهد شد که نایشگر افزایشی بیی از پیش توانائی آن کشور در زمینه تکنولوژی و صنایع معاصر است و دیگر هیچ کشوری درجهان نمیتواند خود را از همکاری با آن بی نیاز بداند .

## ۲۰۲ توان جامعه کشورهای سوسیالیستی

تنها اقتصاد ملی اتحاد شوروی نیست که پیشرفت بلاوقفه و همه جانبه ای را ه که بیانگر نیرو و توان شگرف نظام سوسیالیستی است ه نشان میدهد . جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز ه که اقتصاد آن در پیوند محکم و نزدیک با اقتصاد اتحاد شوروی رشد میکند ه از پیشرفت سریع و همه جانبه ای برخوردار است . در این مورد میتوان از پیشرفتهای و موفقیت های شورای تعاون اقتصادی مثال آورد .

شورای تعاون اقتصادی که اعضا آن راجهوپه های توده ای بلغارستان ه مجارستان ه لهستان ه جمهوری دیمکراتیک آلمان ه جمهوریهای سوسیالیستی چکسلواکی ه رومانی ه کوبا ه اتحاد شوروی و جمهوری خلق مغولستان تشکیل میدهد با اتکا به نظام سوسیالیستی ه اقتصاد طبق نقشه و ( ۱ )

مراجعة شود به روزنامه " پراودا " ه طرح کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای کنگره ۲۵

۱۹۸۰ ه ۱۴ دسامبر ۱۹۷۵

( ۲ ) " تکنولوژی شوروی " ه " اطلاعات " ۲۹ سپتمبر ۱۳۵۴

به برکت کمکهای برادرانه اعضا به یکدیگر به ویژه اتحاد شوروی به همه آنها در مدت یکساع قرن موجودیت خود به پیروزیهای بزرگی نائل آمده است. این کشورها در مدت کوتاهی به عقب ماندگسی اقتصادی و اجتماعی خود فائق آمده و امروز کشورهای پیشرفته صنعتی - کشاورزی و اعضا قدرتمندترین ارگانسم اقتصادی جهان را تشکیل میدهند.

شورای تعاون اقتصادی با آنکه تنها ۱۸٫۵ درصد از اراضی و ۹٫۴ درصد سکنه جهان را شامل میشود، مدد لگه بیهی از یک سوم تولید صنعتی جهان را در اختیار دارد (۱). حجم تولیدات صنعتی در کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی طی ربع قرن در فواصل سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۴ بیهی از ۹۲۴ بار افزایش داشته. در همین مدت کشورهای بازار مشترک اروپا با وجود دارا بودن پایه فنسی و صنعتی قویتر در ابتدای کار، حجم تولیدات صنعتی خود را فقط ۳٫۴۳ بار افزایش داده اند (۲).

بجاست خاطر نشان سازیم که افزایش تولیدات صنعتی بازار مشترک و اصولاً کلیه دول امپریالیستی در دوره مورد بحث بر پایه رشد ناموزون و بر اساس روابط نابرابر غارتگرانه با کشورهای در حال رشد صورت گرفته است. غارت ثروت نفت کشورهای نفت خیز و دیگر مواد خام کشورهای در حال رشد به قیمت نازل از عوامل مهم شکستنی اقتصاد امپریالیستی در دوران پس از جنگ دوم جهانی است که اکنون بحق اساس آن متزلزل شده و میشود. برعکس، رشد سریع تولید صنعتی در کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی بر اساس منابع خود این کشورها بر پایه رشد ناموزون اقتصادی اعضا و استقرار روابط برابری و عادلانه آنها با کشورهای در حال رشد و رعایت منافع رشد اقتصادی و اجتماعی این کشورها استوار بوده است.

توجه به این واقعیت که شورای تعاون اقتصادی هم اکنون عظیمترین قدرت اقتصادی و صنعتی جهان است و در سالهای آینده به توان و امکانات آن بمراتب افزوده خواهد شد، برای کشورهای در حال رشد حائز اهمیت ویژه است. شورای تعاون اقتصادی سازمان جهانی نهی است که نظیر آن در گذشته وجود نداشته. این شورا نوع جدیدی از اتحاد اقتصادی است که نه تنها روابط اعضا آن بر اساس منافع متقابل و کمکهای برادرانه قرار دارد، بلکه در ارتباط با کشورهای در حال رشد نیز از اصل تحکیم اقتصادی ملی و استقلال این کشورها که از ماهیت سوسیالیسم ناشی میشود، پیروی میکند.

شورای تعاون اقتصادی تنها ارگانسم سالم اقتصادی جهانی است که هر چه کشورهای در حال رشد مناسبات گسترده تری با آن داشته باشند بهمان اندازه منافعش از پیشرفتهای سریع و بلاوقفه کشورهای سوسیالیستی نصیب آنها میشود. بیشتر خواهد بود. علاوه بر کشورهای در حال رشد با بسط این مناسبات به تسریع در رشد اقتصادی و صنعتی، تحکیم استقلال و حفظ خود از تهاجم اقتصاد بهران زده، تورم و فوارت آور امپریالیستی نائل میشوند. در طرح کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای کنگره بیست و پنجم در مورد روابط با کشورهای در حال رشد در سالهای آینده چنین خاطر نشان میشود:

" روابط اقتصادی علمی و فنی اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد بر اساس مناسبات دراز مدت، برخوردار از ثبات و بر پایه منافع متقابل، آنچنانکه رشد اقتصاد ملی و استقلال این کشورها و بنیه علمی و فنی آنان را تقویت نماید،

"Правда", 21 февраля 1975 (۱)

Дурнал "Коммунист", № 5, 1975, стр. 101 (۲)

توسعه یافته و تحکیم گردد \* (۱)

کشور ایران نیازمند رشد سریع اقتصادی و صنعتی و تقویت بنیه علمی و فنی است. چنانچه  
رشدی میتواند با کمک جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه همسایه شمالی ما اتحاد شوروی از قسوه  
به فعل درآید. حزب توده ایران بر این عقیده است که :

\* گسترهی واقعی همکاریهای اقتصادی و فنی میان ایران و اتحاد شوروی ... بهترین  
تضمین برای پیشرفت اقتصادی و ترقی کشور است \* (۲)

---

Проект ЦК КПСС к XXV съезду, "Основные направления развития (۱)  
народного хозяйства СССР на 1976-1980 годы", "Правда" за  
14 декабря 1975 г.

(۲) مجله "دنيا" نشریه سیاسی و ثنوی که کمیته مرکزی حزب توده ایران شماره ۷، ۱۳۰۲، صفحه ۴



## فصل هفتم

# مواضع مخالفین و طرفداران

### ۱- امپریالیسم و مائوئیسم

پیروزی انعقاد اولین موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی در ده سال قبل آسان بدست نیاورد. مردم ایران و نیروهای مترقی و ملی که حزب توده ایران در صف اول آنها قرار داشت از داخل و اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی با پیگیری در سیاست همزیستی مسالمت آمیز و حسن همجواری و ابراز علاقه به پیشرفت اقتصادی و صنعتی ایران از خارج ه کوشیدند تا راه کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به ایران باز و هموار شود.

با اینکه آغاز کمکهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی به ایران به منظور ایجاد اولین کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی و پایه گذاری صنایع ملی گاز ایران خود محصول مبارزه ای طولانی بوده معذله این اقدام از همان ابتدا با اشکال جدیدی از مخالفت دول امپریالیستی و مقاومت نیرو های ارتجاعی برخورد نمود. این بار مائوئیست ها و آنها که بظا هرطسک جانبداری از " انقلاب " به چهره زده اند نیز ه در صف مخالفین همکارهای اقتصادی و فنی ایران و جامعه کشورهای سوسیالیستی قرار گرفتند و از هیچ کوششی برای اخلال و کارشکنی در این کار خود داری نوزیدند.

هنوز مرکب انعقاد قرارداد های صنعتی مسکو دائره ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی و خرید گاز ایران از جانب اتحاد شوروی خشک نشده بود که امپریالیسم امریکا و نمایندگان آن علنا در صدد جلوگیری از اجرای این قرارداد ها برآمدند. قبل از تیرماه ۱۳۴۵ که قرار بود اسناد همکاریهای اقتصادی و فنی ایران و اتحاد شوروی مبادله شود و امر ساختن پروژه های صنعتی ذوب آهن و ماشین سازی قطعیت یابد ه مطبوعات دول غربی ه بپژوه در امریکا تبلیغات وسیعی را علیه این همکاریها آغاز کردند. دامنه این تبلیغات و دخالت علنی امپریالیسم امریکا در امری که مربوط به دو کشور هسایه بود به درجه ای رسید که بنا به نوشته " اطلاعات " دولت ایران مجبور شد " نارضائی خود را از سیاست خارجی امریکا خاطر نشان سازد " (۱)

پس از مبادله اسناد و قطعیت یافتن موافقت نامه نیز مقامات امریکائی از کارشکنی و مخالفت بسا اجرای آنها دست برنداشتند. مقامات امریکائی با عنوان کردن این دروغ که گویا " ایران در بسا ره خرید موشکهای زمین به هوا از شوروی مشغول بررسی و مطالعه است " (۲) ه هم ذهن کشورهای عربی را نسبت به ایران مشوب هساختند و هم دولت ایران را بنام تمهیداتی که در دستو دارد تحت فشار قرار میدادند. روزنامه " اطلاعات " در اشاره به فشاری که امپریالیسم امریکا به منظور برهم زدن همکاریهای اقتصادی و فنی ایران و شوروی بعمل آورد آنوقت چنین نوشت :

(۱) " اطلاعات " ه ۹ تیرماه ۱۳۴۵

(۲) " اطلاعات " ه ۱۵ تیرماه ۱۳۴۵

" منافع دیپلماتیک میکنند در این زمینه بین سفیرانیکادرتهران " ارمن طبر" و مقامات ایرانی مذاکراتی جریان دارد که تاکنون به نتیجه نرسیده است . طرفین در یک مورد اساسی باهم اختلاف دارند . بدین معنی که از نقطه نظر واشنگتن اتحاد شوروی عامل اصلی تهدید در این منطقه است . " (۱)

چنانکه می بینیم امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی در ایران و فروش گاز به اتحاد شوروی تنها به جمل و تحریف واقصیت در سطح افکار عمومی اکتفا ننموده ، بلکه سیاست دولت را نیز وسیقه نهل به این هدف قرار داده بود . هنگامیکه این مخالفتها نیز بی ثمر ماند ، مقامات ذینفوذ تری از آمریکا راهی ایران شدند تا سعی خود را برای برهم زدن موافقت نامه و جلوگیری از اجرای قرارداد های آن بکار برند . در پی همین جریان شخص راکفلر او خرسهر پور با ۱۳۴۵ به ایران آمد و بظاهر تحت عنوان خانه سازی و در باطن برای جلوگیری از ایجاد ذوب آهن و ماشین سازی و فروش گاز ایران به اتحاد شوروی دست به کار گردید . لیکن ضرورت های اقتصادی و اجتماعی و فشار افکار عمومی که رژیم حاکمه ایران را وادار به عقب نشینی ساخته بود ، این بار نیز توطئه امپریالیسم آمریکا علیه موافقت نامه همکاری ایران و شوروی را عقیم گذارد و راکفلر دست خالی از ایران مراجعت کرد .

افکار عمومی ایران با مخالفت امپریالیسم آمریکا عوامل آن نظیر راکفلر را در روابط بین ایران و اتحاد شوروی شدیداً تنقیح نمود و از اجرای موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی به دفاع پرداخت . پشتیبانی افکار عمومی مردم از این موافقت نامه آنقدر نیرومند بود که حتی ارتجاعی ترین ارگانهای مطبوعاتی رژیم مجبور گردیدند در آن جهت موضع گیری نمایند . در نوشته " مفسر " اطلاعات " تحت عنوان " یک اتحاد سند " که به سفر راکفلر به ایران اختصاص داده شده چنین میخوانیم :

" در طرحی که برای مقاله تهیه کرده بودم به این نتیجه رسیدم که تصادفاً همه مشاوران افتخاری کشورهای در حال توسعه به اندازه آقای " راکفلر " دستپاچه نیستند که تا به محض اینکه شنیدند ایران میخواهد با شوروی برای ایجاد کارخانه ذوب آهن قرارداد ببندد سراسیمه از " مانعان " به تهران پرواز کنند و به ماند ز بدهند که ذوب آهن به دودمان نخورد . وقت آن رسیده که این سؤال با تمام مهیا بتفی طرح شود که برنامه هائی که به توصیه اندر ز هندگان خارجی ( بخوانید - امریکائیس م . ل . ) طرح میشود فقط گول است . . . و پیشنهاد های مجامله گرانه و کسراه کننده شان باید برملا گردد . " (۲)

کارشکنی دول امپریالیستی در کار کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران با مخالفت های آشکاری که در همان مرحله اول انعقاد قرارداد های صنعتی ذوب آهن و ماشین سازی بعمل آمده پایان نپذیرفت . این مخالفت در طول دهه گذشته ادامه داشته و امروز نیز به اشکال گوناگون ادامه دارد . مخالفت با کمک های که به سود استقلال اقتصادی و سیاسی ایران است از ما هیست امپریالیسم سرچشمه میگردد . امپریالیسم با هر گام که در کشور ما به سوی صنعتی شدن و ترقیات اقتصادی و اجتماعی برداشته میشود به آن دلیل که منافع غارتگرانه اش بخطر می افتد و مواضع تسلط سیاسی آن

(۱) " اطلاعات " ۲۸ تیرماه ۱۳۴۵

(۲) " اطلاعات " ۴ مهر ماه ۱۳۴۵

متزلزل میگردد مجبور به مخالفت است . این پدیده نه اتفاقی بود و نه تعجب کسی را برمی انگیزاند . آن هنگام این حادثه تعجب آور بود که در کنار امپریالیستها و عوامل ایرانی آنها ه نیروهای به مخالفت با کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران و اصولا بسط مناسبات ایران با جامعه کشورهای سوسیالیستی برخاستند که ادعای مبارزه با امپریالیسم داشتند و بظاهر از پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی و امر انقلاب در ایران سخن میگفتند .

امپریالیستها و عوامل وابسته به آنها دانسته و با غرض و بخاطر منافع طبقاتی و به منظور ادامه استعمار مردم ایران و غارت ثروت های آن با کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به ایران ه که موجب میشود به این وضع پایان داده شود ه مخالفت میوزیدند . اگر نخواهیم بگوئیم که مخالفین دیگر همکارهای ایران و کشورهای سوسیالیستی دارای همین نوع اغراض و مقاصد هستند ه حد اقل واقعیت مبتنی بر آنست که آنها یا بر اثر اغوا و توطئه محافظ امپریالیستی به جبهه دشمنان مردم ایران پیوسته اند و یا خود دانسته و آگاه به خدمت آنان درآمده اند . آن بخش از عناصر ماژوئیستی که بسا تکیه به خوراک ایدئولوژیک و تبلیغاتی که از پکن به آنها میرسد از همان ابتدا مخالفت عنودانه و وقیحانه ای را با کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران آغاز نمودند و رفته رفته در مواضع سیاه سیرین نیروهای امپریالیستی و رتجاعی مخالف این کمکها قرار گرفته و هم اکنون نیز به زهر پراکنی خود ادامه میدهند ه از این جمله اند .

ماژوئیست ها مخالفت خود را با کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران با اندرز دادن به حزب توده ایران ه در باره اینکه " وظیفه حزب انقلابی نیست که به تبلیغ و تجمید " قرارداد تا سیس کارخانه ذوب آهن " بپردازد ه شروع کردند ( ۱ ) . سپس آنها با توطئه محافظ امپریالیستی آمریکا در پیاداشتن جنجال فروشی موشک از جانب اتحاد شوروی به ایران همراه شده در موقع تبادل اسناد قرارداد های صنعتی ذوب آهن و ماشین سازی به کمکهای اتحاد شوروی حمله بردند و سر و هس کار ایران به اتحاد شوروی را به زیان ایران معرفی کردند ( ۲ ) .

قدم بعدی را ماژوئیست ها همزمان با اعلام اینکه گروه توغان به مشکلات داخلی فائق آمده و بسا تصفیه درونی خود با اکتفا کامل به اندیشه ماژوئیه دون تجدید حیات یافته برداشتند و در باره کمکهای اتحاد شوروی به ایران چنین اظهار نظر نمودند : " ایران یکی از بهترین نمونه های استعمار رجمی است " و " در سالهای اخیر رویزینویستهای شوروی ۰۰۰ به جمع امپریالیستها پیوسته و بنوبه خود بر این خوان یغما نشسته اند " ( ۳ ) . چند ماه بعد در مرداد سال ۱۳۴۷ این گروه سند اتهام " کالمتری " را علیه کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران صادر نموده چنین اعلام داشت : " اتحاد شوروی " با کمک مادی و معنوی خود به شاه و اقلیت هیئت حاکمه ایران به تقویت و تثبیت رژیم نکیبت بارکونی ایران یاری میرساند و اعمال و اقوال آن " همین وجه مشترکی با آرمانهای انقلابی " ندارد ( ۴ ) .

در نوشته زهرا آگین دیگری " توغان " نوشت : " موافقت نامه های ایران و شوروی " نظیر موافقت نامه های امپریالیستی است ه به قصد چپاول ایران است ه فلج کننده رشد اقتصاد کشور

( ۱ ) " توغان " ه شماره ۲۰ ه نیمه دوم بهمن ۱۳۴۴ ه مقاله " سخن را در باره ذوب آهن " کوتاه کنیم .

( ۲ ) " توغان " ه شماره ۲۲ ه بهمن ۱۳۴۵ ه مقاله " یک عقب نشینی "

( ۳ ) " توغان " ه شماره ۱۰ ه خرداد ۱۳۴۷ ه مقاله " ایران نظیر استعمار رجمی "

( ۴ ) " توغان " ه شماره ۱۲ ه مرداد ۱۳۴۷ ه مقاله " ضد شوروی کیست "

ماست\* (۱)

بالاخره انقلابی بناهای ماورا\* چپ در جای منطقی خود قرار گرفته و از موضع سیاه ترین نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی به کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران تاختن گرفتند. "سازمان باصلاح مارکسیستی - لنینیستی توفان" نه کم نه زیاد، لازم دید به مناسبت امضا، موافقت نامه، توسعه، تعلیمات حرفه ای در ایران با استفاده از کمک اتحاد شوروی و اعلام آمادگی آن کشور برای بذل کمک در زمینه های اکتشاف نفت و گاز و ایجاد صنایع پتروشیمی و کمک به پیشرفت کشاورزی بهنگام سفر رئیس کمیته دولتی شورای وزیران اتحاد شوروی برای روابط اقتصادی با کشورهای خارجی به ایران، به صد و اعلامیه پیردازد و موافقتهای جدید ایران و شوروی را "یکی از راهزنانه ترین قراردادهای تحمیلی امپریالیستی بنامد".

در این نشریه، مائوئیستی نوشته شده است: موافقت نامه، مهرماه ۱۳۴۹ همکاری اقتصادی و فنی ایران و شوروی "برسر تقسیم راهزنانه ایران صحه میگذارد و در واقع تجدید قرارداد سوم ۱۹۰۷ است." قرارداد مهرماه ۱۳۴۹ یکی از مظاهر برجسته، سازش سوسیال امپریالیست های شوروی و امپریالیستهای امریکائی برسر تقسیم جهان است که "در دشمنی با انقلاب ایران هردو آنها بیک اندازه کینه توزند." "رهپژوهیست های حزب توده ایران که درصد پو شاندن این حقایق روشن اند با انقلاب ایران خیانت میورزند" (۱).

برای خواننده ای که نتایج شربخش کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی را در دهه گذشته در پهنی چشم دارد، خواندن این سطور کراهت انگیز بحق بساور نکردنی است. این خواننده بدرستی میتواند در شکفت باشد که چگونه داروستانه ای که از راه عوامفریبی ادعا دارد برای "انقلاب ایران شمشیر میکشد، میتواند اجازه، چنین لجن پراکنی ها را بخود بدهد. لکن چنین شکفتی مورد ندارد. مائوئیستها اگر در اندیشه، منافع انقلاب ایران بودند با سیاه ترین محافل امپریالیستی و ارتجاعی در حمله به اتحاد شوروی اینگونه هم آواز نی شدند.

به حملات زهرآگین مائوئیستی و تبلیغات یاوه، آن علیه کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران در مطبوعات حزب ما پاسخ شایسته داده شده است. حزب ما از همان آغاز کمکهای اتحاد شوروی به ایران در موضع دفاع صادقانه از این کمکها قرار گرفت و به افشاء شگرد های تبلیغاتی امپریالیستی و مائوئیستی علیه این کمکها پرداخت. شناساندن مائوئیسم و رسوا ساختن عوامل ضد انقلابی ایرانی آن از خدمات برجسته حزب توده ایران به جنبش انقلابی کشور ما است. در برنامه جدید حزب ما ضمن ارزیابی این واقعیت که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای از بند رسته و دیگر کشورهای در حال رشد از هر جهت کمک میکنند تا این کشورها به تاهین استقلال واقعی و سیاسی اقتصادی خوبی نائل گردند، و عیلا قدرت آذربایبند که از مدار نفوذ اسارت بار امپریالیسم خارج شوند، در همین حال در مورد نقض ضد انقلابی مائوئیسم چنین گفته میشود:

"مائوئیسم با همان کشیدن تئورهای دروغین و سفیله آمیز بجای تحلیل طبقاتی مارکسیستی... با انتساب رهپژوهیسم به احزاب کمونیستی و با انتساب سوسیالیسم امپریالیسم به اتحاد شوروی نقضی خائنانه و ننگینی را ایفا میکند. این منشی انحرافی ضد مارکسیستی و خرابکارانه هم اکنون زیانهای جدی وارد ساخته و مانع شده است که

(۱) "توفان" شماره ۲۷، آبان ۱۳۴۸، مقاله "آب شور و گاز غفن"

(۲) اعلامیه "سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان" مهرماه ۱۳۴۹ - اکتبر ۱۹۷۰

از امکانات واقعی برای عقب نشاندن امپریالیسم و ارتجاع بعد اعلی استفاده شود.

از نقش خرابکارانه مائوئیستهای ایرانی در دهه گذشته در زمینه مخالفت با همکارهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و ایران و تلاش برای ابقا امپریالیسم در مواضع اشغال آن ارزهای بهتری نمیتوان بعمل آورد. گذشت زمان مائوئیستهای ایرانی را بعنوان مخالفین رشد اقتصاد ملی و مدافعین مقاصد امپریالیسم و انحصارات غارتگران، منجمله کنسرسیوم بین المللی نفت افشا میکند.

در اعلامیه کذائی خود "سازمان باصطلاح مارکسیستی - لنینیستی توخان" بویژه از پیشنهاد شوروی دایره کمکه اقتصادی و فنی به ایجاد صنایع ملی نفت ایران به خشم آمده و چنین مینماید:

"سوسیال امپریالیستهای شوروی به یکی دیگر از مطامع بزرگ خبیث یعنی دست اندازی بر منابع نفت ایران در سراسر شمال و مرکز نائل می آیند. موافق این استدلال فتنه هرگاه سوسیالیسم جهانی کوشش میکند به سود خلق ها، به زیان غارت امپریالیستی، به رشد اقتصادی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق، بر پایه برابری و برابری صرفه متقابل، کمکه کند، این کار سوسیال امپریالیسم است. باید گفت دست مرزبانان این شکستن رکورد پهن گوئی و خیانت!

مائوئیستها در ورق پاره های خود کمکه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی را به ایران "کمکه" به تقویت رژیم شاه و نمود ساخته شوروی را "دشمن" انقلاب و حزب توده ایران را "خائن" به انقلاب معرفی کرده اند. گذشت زمان ثابت کرد که در این دعاوی باطل خصمانه و مغرضانه نیز که هدف آن گول زدن افراد ساده لوح از راه حملات غیر مستقیم و تاخستن به اثرات اجتماعی کمکه های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران بوده نیز کمترین حقیقتی وجود نداشته است.

اگر کسی انقلاب اجتماعی یک جامعه را برخلاف تصریح مکرر آموزش کلاسیک های مارکسیسم، به معنی تازاندن انقلاب بدون در نظر گرفتن آمادگی شرایط عینی و فراهم بودن شرایط ذهنی بفهمد و از این تصورنا درست پیروی کند که هر چند نفی میتواند بنا به خواست خود و بنا به طبقه کارگر و خواستهای آن علم انقلاب بفرشته و مدعی رهبری انقلاب گردند، البته میتواند به دام عوام فریبی - های مائوئیستی افتاده و ندانسته مجری مقاصد پشت پرده آن که سطره جوش جهانی پکن است، بشود. لیکن اگر انقلاب اجتماعی به معنی واقعی آن - یعنی تکمین و تدارک شرایط عینی و ذهنی انقلاب و این امر پذیرفته شود که رشد نیروهای مولده و بویژه صنعتی شدن برای شکل یابی طبقات انقلابی بخصوص طبقه کارگر ضرورت حیاتی دارد، آنوقت دیگر پذیرش این اتهام که کمکه های اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی به ایران به تاخیر در انقلاب می انجامد، نه فقط قابل قبول نیست، بلکه مغرضانه است و ضد انقلابی بودن آن هم آشکار.

دول امپریالیستی و ارتجاع ایران رشد اقتصاد ملی ایران را در مرحله قبل از صنعتی شدن متوقف نگاه داشته بودند. این وضع مانع رشد کمی و کیفی طبقه کارگر و پیدایش و رشد پرولتاریای صنعتی بعنوان هسته اساسی انقلاب بود، که بنوعی خود تکمین انقلاب را به تاخیر می انداخت. در یک دهه قبل آغاز کمکه های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بطایران یگانه عامل مؤثری بود که راه صنعتی شدن را در برابر ایران میگشود و شرایط مساعدی را برای تحول مطلوب طبقاتی فراهم می آورد. وظیفه همسازان انقلابی اصل و جدی آن بود که این پدیده را در کف کند و با دفاع از توسعه کمکه های کشورهای سوسیالیستی به ایران برداشته تاثیر آن بیافزاید. در این شرایط است که مائوئیست ها علم مخالفت با این همکارها را برافراشته اند و تا به امروز زیرلای آن در کار اتحاد نیروهای انقلابی در ایران اخلاص و کارشکنی میکنند. تا سقافه باید گفت هنوز هم بخشی از نیروهای ضد امپریالیستی و مهن پرست، با وجودیکه ماهیت ننگین سیاست پکن هر روز بیشتر افشا میشود

همچنان تحت تاثیر تبلیغات زهرآگین امپریالیستی - مائوئیستی هستند . این نیروها بجای درک ضرورت نقش اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی بعنوان نقطه اتکا استقلال خلقها و جنبش انقلاب جهانی و در موضع مخالفت ناآگاهانه با نیروهای واقعا انقلابی و تائید مقاصد امپریالیسم و ارتجاع باقی مانده اند که پایه تاسف است .

### ۱۰ مواضع اصولی حزب توده ایران

مرتجمین داخلی و محافل امپریالیستی و دیگر اخلاصگران در امر کمکهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی به ایران به منظور جلوگیری از گسترش مناسبات کشور با کشورهای سوسیالیستی و سیاست حزب توده ایران را که بطور پیگیر و استوار از این کمکها و مناسبات دفاع کرده و میکند از جهات گوناگون مورد حمله قرار داده و میدهند .

آن هنگام که حزب توده ایران در زمان جنگ دوم جهانی از قبول پیشنهاد اتحاد شوروی در زمینه همکاری در صنعت نفت جانبداری میکرد و محافل امپریالیستی و مرتجمین داخلی با دادن نسبت های ناروا به حزب ما حمله ور میشدند . هنگامیکه در مراحل بعد حزب ما تکیه به کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی را شرط لازم و ضرور برای گشایش راه صنعتی شدن و تحولات مطلوب اجتماعی بشمار آورد و با تمام قوا از دریافت این کمکها جانبداری مینمود . نه فقط محافل امپریالیستی و مرتجمین داخلی بلکه مائوئیستهای نیز به حزب توده ایران و سیاست اصولی آن تاختن گرفتند .

لیکن تجربه و گذشت زمان صحت مواضع و مش اصولی حزب توده ایران را ثابت کرد . در همین حال گذشت زمان هر چه بیشتر ثابت کرد که از جمله در همین سیاست است که مبین پرستی عمیق با انترناسیونالیسم پرولتری و مش بدون خدشه هدایت همه جریانها در جهت تکوین و تدارک انقلاب ملی و دمکراتیکه با تضمین نقش قاطع نیروهای خلق به سرکردگی طبقه کارگر و با هم عجین شده است .

کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران و توسعه هر چه بیشتر همکاریهای بین دو کشور همسایه به تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی و تسریع در پیشرفت صنعتی و کشاورزی و علمی و فنی و بی نیازی از واردات کالای خارجی ، تقویت مواضع اقتصاد و سرمایه ملی در مقابل با تهاجم و غارت دول امپریالیستی و سرمایه های انحصاری و بالاخره به تسریع تحولات اجتماعی و طبقاتی و انجامد از این تحولات نیروهای خلق و در پیشاپیش همه طبقه کارگر ایران بهره مند میشود که گذشت از آنکه قدرت مقاومت آن در برابر استثمار خارجی و داخلی افزوده میشود . به رشد کیفی ( که از نظر آماده شدن این طبقه برای ایفای نقش تاریخی سرکردگی انقلاب ملی و دمکراتیک ضرورت دارد ) نائل می آید .

به لحاظ دارا بودن چنین خواص و نتایجی است که سیاست اصولی حزب ما نه امروز که کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی با وجود اینکه در چهار ریب و محدودی از آنها استفاده شده ، نتایج بسیار چشمگیری ببار آورد . بلکه از همان اوان تاسیس حزب در ۳۵ سال قبل بر دفاع بدون قید و شرط از بسط روابط همه جانبه بین ایران و کشورهای سوسیالیستی و تکیه به کمکهای اقتصادی و فنی این کشورها متکی بوده است . در این سیاست از یکه جانب مبین پرستی عمیق حزب ما منعکس است که برای صنعتی شدن ایران ، طرد تسلط استعمار و کسب استقلال اقتصادی دفاع میکند . از جانب دیگر صحت مش حزب ما در تکیه به انترناسیونالیسم تائید میشود و

ثابت میگردد که قرار گرفتن آن در صف احزاب کمونیستی و کارگری جهان که حزب کمونیست اتحاد شوروی در پیشاپیش آن قدم بر میدارد به سود مبارزه ضد امپریالیسم و استقلال طلبانه مردم ایران و هم در جهت تکوین و تدارک انقلاب ملی و دمکراتیک است.

مهمین پرستی و انتزاعیسمونالیسم و انقلابی بودن حزب توده ایران هیچیکه دیگری را نفی نمیکند. اینها مکمل یکدیگرند. هر ایرانی هرچه مهمین پرست تر فکر کند و هر اندازه به پیروزی مبارزه علیه امپریالیسم و کوشش برای به ثمر رساندن انقلاب ملی و دمکراتیک علاقه وافرتر داشته باشد بهمان اندازه عمیق تر به صحت نفس حزب توده ایران پی میبرد.

رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در مجله "دنیای ما" در شماره پهنودعضوی میان جوانب گوناگون سیاست حزب ما در دفاع از همکارهای واقعی بین ایران و کشورهای سوسیالیستی و مبارزه برای پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک و این امر که این دو نه فقط تضاد با هم ندارند بلکه مکمل یکدیگرند چنین خاطرنشان میسازد:

" عقیده راسخ حزب توده ایران در مورد لزوم و سودمندی روابط حسن همجواری و همکاری واقعی میان کشورها و اتحاد شوروی نه تنها خللی به عزم جزم حزب ما در مبارزه پیگیر علیه رژیم کنونی و سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک آن وارد نمیکند بلکه بهعکس خود یکی از ارکان اساسی مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی حزب توده ایران به شمار میرود و در واقع مکمل سیاست ترقیخواهانه و انقلابی آنست." (۱)

---

(۱) مجله "دنیای ما" شماره سیاسی و شورویک کمیته مرکزی حزب توده ایران شماره ۲۰۳ و ۲۰۴ صفحه ۴

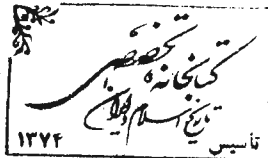
## پایان سخن سکوی جهش اقتصادی - اجتماعی

" تاویز " صنعتی شدن واقعی ایران، تنها از سکوی پیروزی انقلاب ملی و دیکراتیک می‌تواند به پرواز آید و با کمال فنی و اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی به کشفان استقلال اقتصادی و پیشرفت‌های همه جانبه اجتماعی مردم ایران اوج گیرد. در شرایط تسلط رژیم ضد ملی و ضد دیکراتیک چنین پروازی میسر نیست.

حزب توده ایران در حالیکه برای بسط همکاری‌های همه جانبه بین ایران و کشورهای سوسیالیستی در شرایط حاضر می‌کوشد و استفاده هر چه بیشتر از کمک‌های اقتصادی و فنی آن کشورها به ویژه اتحاد شوروی را شرط ضروری برای نهل به حداقل پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی و تحکیم مواضع مردم ایران در رقابت علیه تسلط امپریالیسم میداند. در همین حال صراحتاً خاطر نشان می‌سازد که در شرایط تسلط یک رژیم عمیقاً ارتجاعی و وسیعاً وابسته به امپریالیسم سفینه صنعتی شدن واقعی ایران نمیتواند با اطمینان به پرواز آید و سرعتی را که لازم نهل به هدف‌های ملی و اجتماعی مردم ایران است کسب کند.

حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران در مرحله کنونی رشد آن چنانکه در برنامه جدید حزب توده ایران خاطر نشان شده " مستلزم اتخاذ چنان راه رشدی است که بتواند ترقی سریع اقتصاد کشور را تامین نماید و با استفاده از کلیه امکانات عصر ما به سرعت فاصله آنرا نسبت به کشورهای پیشرفته جهان از میان بردارد. بنابراین راه رشدی که حزب ما برای جامعه ایران صحیح میداند، سمت گیری سوسیالیستی است که هنوز به معنی استقرار سوسیالیسم نیست، ولی محمل‌های لازم را برای گذار به سوی جامعه سوسیالیستی آماده میکند. " قرار گرفتن در چنین راه رشدی که بنوعی خود امکان میدهد از کمک‌های بی‌شائبه اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی " بنشایه ضامن معتبر حفظ استقلال و آزادی میهن ما در مقابل تحریکات و تجاوزات امپریالیسم و عمال آن و وسیله نیرومند ترقی مادی و معنوی کشور " استفاده بعمل آید. مستلزم پیروزی انقلاب ملی و دیکراتیک است که شرط اساسی آن ایجاد جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دیکراتیک بوده و تنها به وسیله توده‌های مردم تحقق پذیرد.

دیماه ۱۳۵۴





- ۵۱ -

10 лет

ЭКОНОМИЧЕСКОЙ И ТЕХНИЧЕСКОЙ ПОМОЩИ  
СОВЕТСКОГО СОЮЗА ИРАНУ  
1966-1976

---

10 Jahre

Wirtschaftliche und technische Hilfe  
der Sowietunion für den Iran  
1966-1976

---

10 Years

of Soviet Union's economic and  
technical aid to Iran  
1966-1976

---

10 ans

d'aide economique et technique  
de l'Union Sovietique à l'Iran  
1966-1976

---

Tudeh Publishing Centre  
Takmann P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

82

---

ده سال کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران  
۱۳۵۴ - ۱۳۴۴  
مؤلف: مهدی کیهان

---